

توهم غرامت 100 میلیارد دلاری بعد از فتح خرمشهر،

واقعیت «کاغذپاره» قطعنامه 598

The illusion of 100 billion dollars compensation after conquering Khorramshahr.

The reality of the "shredded paper" of Resolution 598

نگارش

سید محمد حسن میرداماد اصفهانی

1401

[sh\_mirdamadi@yahoo.com](mailto:sh_mirdamadi@yahoo.com)

میرداماد اصفهانی سید محمد حسن ،" توهم غرامت 100 میلیارد دلاری بعد از فتح خرمشهر، واقعیت «کاغذپاره» قطعنامه 598" ، <https://dla.ir/14010501-2> انتشار آنلاین27 تیرماه 1401 روز پذیرش قطعنامه 598

حق مولف عمومی

این مطلب کاملا رایگان بوده و تحت مجوز خلاقیت عمومی (Creative Commons) و مالکیت عمومی (public domain) است

و برای هرنوع بهره وری از آن ، هیچ گونه مبلغی دریافت نمی شود

هر شخصی در هر کجا و به هر زبانی می تواند آن را به صورت آنلاین یا چاپی، بازنشر دهد

شما آزاد هستید که در زمینه های ذیل اقدام کنید :

* کپی ، انتشار، توزیع و انتقال اطلاعات ؛ به هر شکل و هر مدل
* ترجمه به هر زبان و در هر کشور و در فضای مجازی و فیزیکی
* ساختن هر نوع فیلم یا نمایش
* بهره وری از همه یا قسمتی از اطلاعات به صورت تجاری و غیرتجاری برای مقصود حلال و مجاز
* تدریس آن در هر موسسه، دانشگاه و مراکز علمی

تذکر : این مجوز ؛ هیچ گونه حق مولف انحصاری ، برای هیچ شخص حقیقی و حقوقی ، در هیچ زمان و مکان نخواهد داشت

**فهرست**

[چکیده: 5](#_Toc109000663)

[مقدمه : مقاومت در صلح و جنگ 8](#_Toc109000664)

[صلح شیوه ای از مقاومت 8](#_Toc109000665)

[مقاومت در استمرار جنگ پس از فتح خرمشهر 10](#_Toc109000666)

[مقاومت در پذیرش صلح قطعنامه 598 10](#_Toc109000667)

[آیا پس از فتح خرمشهر ، قرار بود 100 میلیارد لار غرامت به ما بدهند ؟! 11](#_Toc109000668)

[خلاصه زندگی نامه دکتر یزدی 11](#_Toc109000669)

[بررسی افسانه پیشنهاد 100 میلیارد دلار خسارت 12](#_Toc109000670)

[حتی اگر 100 میلیارد دلار در قطعنامه بود!! 16](#_Toc109000671)

[تجربه قطعنامه 598 ، نشان کامل دروغ بودن ادعای خسارت 16](#_Toc109000672)

[متن قطعنامه514 شورای امنیت ، پس از فتح خرمشهر ، در این قطعنامه هیچ سخنی از متجاوز و غرامت نیست 17](#_Toc109000673)

[تاریخچه قطعنامه 598 را درست بنویسید 19](#_Toc109000674)

[1 - روز دوشنبه ۲۹ تیر ۱۳۶۶ برابر 20 جولای 1987 22](#_Toc109000675)

[تصویب قطعنامه 598 22](#_Toc109000676)

[فشار های داخلی برای صلح 25](#_Toc109000677)

[متن نامه 2 تیرماه 1367 منتشر نشده محسن رضایی به هاشمی درباره پایان جنگ 27](#_Toc109000678)

[2 - روز چهارشنبه 27 تیرماه 1367 برابر 18 جولای 1988 30](#_Toc109000679)

[پذیرش قطعنامه 598 توسط ایران 30](#_Toc109000680)

[3. روز یکشنبه 2 مرداد 1367 برابر 24 جولای 1988 32](#_Toc109000681)

[حمله عراق از جنوب ، عملیات مرصاد پنجم مرداد ماه ۱۳۶۷ 32](#_Toc109000682)

[4 . روز پنجشنبه 11 مرداد 1369 برابر دوم آگوست 1990 الخمیس , 10 محرم 1411 (1411/1/10) 35](#_Toc109000683)

[حمله عراق به کویت 35](#_Toc109000684)

[فعالیت بسیار عجیب شورای امنیت در جنگ کویت 36](#_Toc109000685)

[5 . روز شنبه 27 مرداد 1369 برابر 18 آگوست 1990 37](#_Toc109000686)

[آزادی اسرا و عقب نشینی صدام از بخشهای باقیمانده خاک ایران 37](#_Toc109000687)

[6 . روز چهارشنبه 26 دی 1369 برابر 16 ژانویه 1991 37](#_Toc109000688)

[حمله نیروهای چند ملیتی به عراق 37](#_Toc109000689)

## 

## چکیده:

بخشی از تحلیل گران بر این باورند که ایران موجب تداوم جنگ شده و پس از فتح خرمشهر ، 100 میلیارد دلار خسارت را نپذیرفته و بر استمرار جنگ و نابودی کشور تاکید داشته و حتی صلح 598 را قبول نکرده است

در این نوشتار با اسناد نشان خواهیم داد که پرداخت 100 میلیارد دلار خسارت ، توهمی دروغین بیش نیست و در هیچ سند بین المللی ، حتی کم ارش ترین آن «مثلا یادداشت یک دولت به مجامع بین المللی و ثبت شده در سوابق» وجود خارجی ندارد.

حتی قطعنامه 598 که غربی ها و عرب ها و همه دنیای استکبار ، یک سال ، اصرار بر پذیرش آن داشتند ، پشیزی ارزش نداشت و به عنوان یک «کاغذپاره» به آن نگریستند و سازمان های بین المللی در برابر نقض آن توسط صدام و منافقین ، سکوت مطلق کردند و زیر پاگذاشتن «آن قطعنامه مثلا مهم» را نادیده گرفتند.

پس از پذیرش آن ، به فاصله کمتر از یک هفته ، صدام و منافقین حمله کردند و هیچ یک از کشورها و سازمان های بین المللی به مخالفت با آنان نپرداختند و اگر مقاومت قهرمانانه ملت و بسیج و ارتش و سپاه نبود ، صدامیان و منافقین تا تهران هم می رسیدند و «سازمان های بین المللی» سکوت می کردند.

توجه داشته باشید که از تاریخ پذیرش قطعنامه 598 در تاریخ 27 تیرماه 1367 تا روز آزادی اسرا 27 مردادماه 1369 دوسال و یک ماه طول کشیده و دانستن این مقطع تاریخی برای همه کنشگران سیاسی مهم است

ارزش نه به قطعنامه های سازمان ملل ، که به عملی شدن آن است. در مقایسه با تهاجم عراق به ایران ، که همه قطعنامه ها بی خاصیت و بی ارزش است. حمله صدام به کویت از همان ساعت اول ، قطعنامه های غلاظ و شداد و آمره داشت و در نهایت نیز، تشکیل نیروی مسلح برای تهاجم به عراق و سرکوب وی مطرح شد. و پس از اخراج صدام از کویت ، خسارت در قطعنامه ها آمد و نفت عراق فروخته می شد و اول غرامت کویت برداشت می گردید

این که کویت ، پس از خاتمه جنگ ، تا تاریخ 13 آذر 1391 مبلغ 35 میلیارد دلار خسارت مالی از عراق گرفت[[1]](#footnote-1) اما به ایران هیچ مبلغی داده نشد هم نکته آموزنده ای است. در هیچ قطعنامه ای ، حتی ریالی به عنوان خسارت برای ایران مطرح نشده و سخنان و عبارات دوپهلو ، ارزش حقوقی ندارد.

اما در باره مظلوم مقتدری مانند ایران ، هر آن چه بدست آمده است ، صرفا با لطف الهی ، و مقاومت ملت بزرگ ایران است.

کلید واژه ها : جنگ عراق علیه ایران ، جنگ عراق علیه کویت ، قطعنامه 598 ، ادعای غرامت 100 میلیارد دلاری ، سازمانهای بین المللی

Abstract

Some of the analysts believe that Iran has caused the continuation of the war and after the conquest of Khorramshahr, it did not accept the 100 billion dollars in damages and emphasized on the continuation of the war and the destruction of the country and did not even accept the peace of 598.

In this article, we will show with documents that the payment of 100 billion dollars in damages is nothing more than a false illusion, and there is no foreigner in any international document, even the smallest one, "for example, a note of a government to international assemblies and recorded in the records".

Even Resolution 598, which the Westerners and Arabs and the entire arrogant world insisted on accepting for one year, was worth nothing and they looked at it as a piece of paper, and international organizations against its violation by Saddam and the hypocrites. They remained completely silent and ignored trampling on "that important example resolution".

After its acceptance, less than a week later, Saddam and the hypocrites attacked and none of the countries and international organizations opposed them, and if it were not for the heroic resistance of the nation, the Basij, the army, and the IRGC, Saddam and the hypocrites would have reached Tehran. They would also arrive and "international organizations" would remain silent.

Please note that it took two years and one month from the date of adoption of Resolution 598 on Monday, July 18, 1988 to the release of prisoners on Saturday, August 18, 1990, and it is important for all political activists to know this historical period.

The value is not in UN resolutions, but in its implementation. Compared to Iraq's invasion of Iran, all resolutions are meaningless and worthless. Saddam's attack on Kuwait from the very first hour had the resolutions of Gholaz, Shaddad and Amre, and finally, the formation of an armed force to invade Iraq and suppress him was proposed. And after the expulsion of Saddam from Kuwait, the damage came in the resolutions and Iraq's oil was sold and Kuwait's compensation was collected first.

The fact that Kuwait, after the end of the war, received 35 billion dollars in financial damages from Iraq until Monday, December 3, 2012, but no amount was given to Iran, is also an instructive point. In any resolution, not even Riyal has been mentioned as damages for Iran, and the two-sided words and expressions have no legal value.

But regarding the oppressor of a powerful country like Iran, whatever has been achieved is only with the grace of God and the resistance of the great nation of Iran.

Keywords: Iraq war against Iran, Iraq war against Kuwait, Resolution 598, 100 billion dollar compensation claim, international organizations

## مقدمه : مقاومت در صلح و جنگ

اسلام دین «صلح » و «آشتی» است و به زندگی مسالمت آمیز دعوت می‌کند در سوره بقره آیه 208 آمده است : «یَا اَیُّهَا ٱلَّذِینَ اَمَنوُاْ ٱدْخُلُواْ فِی ٱلْسِّلْمِ کافَّهً وَلَا تَتَّبِعُواْ خُطُوَاتِ ٱلْشَّیْطَانِ اِنَّهُ لَکمْ عَدُوٌّ مُبِینْ» ای ایمان آوردگان ! همگی در صلح و آشتی درآیید؛ و از گام‌های شیطانی پیروی نکنید؛ که او دشمن آشکار شماست. و در آیه 8 سوره ممتحنه در خصوص کافران ‌‌بی‌ضرر می‌خوانیم :« لَّا یَنْهَاکُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِینَ لَمْ یُقَاتِلُوکُمْ فِی الدِّینِ وَلَمْ یُخْرِجُوکُم مِّن دِیَارِکُمْ آن تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَیْهِمْ آن اللَّهَ یُحِبُّ الْمُقْسِطِینَ » خدا شما را از آنان که با شما در دین قتال و دشمنی نکرده و شما را از دیارتان بیرون ننمودند نهی نمی‌کند که با آنان نیکی کنید و به عدالت و انصاف رفتار نمایید، که خدا مردم با عدل و داد را بسیار دوست می‌دارد.

پیامبر اکرم(ص) در یکی از سخنان خویش در مورد فضیلت جهاد در راه خدا چنین فرمودند: «الْخَیْرُ کُلُّهُ‏ فِی‏ السَّیْفِ‏ وَ تَحْتَ ظِلِّ السَّیْفِ وَ لَا یُقِیمُ النَّاسَ إِلَّا السَّیْفُ وَ السُّیُوفُ مَقَالِیدُ الْجَنَّهِ وَ النَّار» (کلینی، محمد بن یعقوب )‌ همه خوبی‌ها در شمشیر و در زیر سایه شمشیر است و مردم جز به وسیله شمشیر استوار نشوند و شمشیرها کلید بهشت و جهنم است. [[2]](#footnote-2)

امام علی علیه السّلام در نهج البلاغه، نامه 53 می‌فرمایند: «الجُنُوُد بِإذنِ اللَّهِ حُصُونُ الرَّعیَّهِ وَ زَینُ الوُلاهِ وَ عِزُّالدِّینِ وَ سُبُلُ الأَمنِ وَ لَیسَ تَقُومُ الرَّعِیِّهُ إلّا بِهِم» سربازان، به اذن خداوند، دژ مردم، زینت زمامداران، مایه عزّت دین و امنیّت‌‌‌اند و کار مردم، جز به آنان استوار نمی‌شود.

## صلح شیوه ای از مقاومت

«جنگ» یا «صلح» نه مطلقا خوب و نه مطلقا بد هستند ، هر کدام به جای خود میتواند مفید یا مضر باشد این روش و سیره دائمی عقلا در طول تاریخ است انسانهای خردمند (با هر دین و مسلک و آرمان) نه همواره جنگیده اند و نه همواره صلح کرده اند جدای از اینکه آنان حق یا باطل باشند این منطق علمی در ذهن آنان وجود داشته و دارد که گاه در جنگ می توانند به منافع شخصی یا ملی یا آرمانی خود برسند و گاه در صلح ، به آن دست خواهند یافت

در اسلام نیز مسئله همین گونه است و رهبری به عنوان مسئول جامعه نه صرفاً به جنگ باید توجه داشته باشد و نه مطلقا صلح را با همه اشخاص و کشور ها مد نظر داشته باشد

قرآن در این زمینه به خوبی و بسیار ساده و همه فهم در دو آیه تبیین می فرماید

در ایه 8 سوره الممتحنة اینگونه می خوانیم :

لَّا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُم مِّن دِيَارِكُمْ آن تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ آن اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ

ﺧﺪﺍ ﺷﻤﺎ ﺭﺍ ﺍﺯ ﻧﻴﻜﻲ ﻛﺮﺩﻥ ﻭ ﻋﺪﺍﻟﺖ ﻧﺴﺒﺖ ﺑﻪ ﻛﺴﺎﻧﻲ ﻛﻪ ﺩﺭﻛﺎﺭ ﺩﻳﻦ ﺑﺎ ﺷﻤﺎ ﻧﺠﻨﮕﻴﺪﻧﺪ ﻭ ﺷﻤﺎ ﺭﺍ ﺍﺯ ﺩﻳﺎﺭﺗﺎﻥ ﺑﻴﺮﻭﻥ ﻧﻜﺮﺩﻧﺪ ﺑﺎﺯ ﻧﻤﻰ ﺩﺍﺭﺩ ; ﺯﻳﺮﺍ ﺧﺪﺍ ﻋﺪﺍﻟﺖ ﭘﻴﺸﮕﺎﻥ ﺭﺍ ﺩﻭﺳﺖ ﺩﺍﺭﺩ .

در این آیه وظیفه مسلمانان با کفاری که سر جنگ نداشته و توطئه نمی کنند ، دستور نیکی و حتی عدالت برتر ، یعنی اعمال «قسط» را صادر کرده است اما بلافاصله ، آیه 9 در همان سوره آمده است

إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُم مِّن دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَى إِخْرَاجِكُمْ آن تَوَلَّوْهُمْ وَمَن يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

ﺧﺪﺍ ﻓﻘﻂ ﺷﻤﺎ ﺭﺍ ﺍﺯ ﺩﻭﺳﺘﻲ ﺑﺎ ﻛﺴﺎﻧﻲ ﻧﻬﻲ ﻣﻰ ﻛﻨﺪ ﻛﻪ ﺩﺭ ﻛﺎﺭ ﺩﻳﻦ ﺑﺎ ﺷﻤﺎ ﺟﻨﮕﻴﺪﻧﺪ ، ﻭ ﺍﺯ ﺩﻳﺎﺭﺗﺎﻥ ﺑﻴﺮﻭﻥ ﺭﺍﻧﺪﻧﺪ ، ﻭ ﺩﺭ ﺑﻴﺮﻭﻥ ﺭﺍﻧﺪﻧﺘﺎﻥ ﺑﻪ ﻳﻜﺪﻳﮕﺮ ﻛﻤﻚ ﻛﺮﺩﻧﺪ ﺗﺎ [ ﺑﻪ ﺧﺎﻃﺮ ﺍﻳﻦ ﺳﺨﺘﮕﻴﺮﻱ ]ﺑﺎ ﺁﻧﺎﻥ ﺩﻭﺳﺘﻲ ﻛﻨﻴﺪ . ﻭ ﺗﻨﻬﺎ ﻛﺴﺎﻧﻲ ﻛﻪ ﺑﺎ ﺁﻧﺎﻥ ﺩﻭﺳﺘﻲ ﻛﻨﻨﺪ ، ﺳﺘﻤﻜﺎﺭﺍﻧﻨﺪ .

بنا بر این ، ولی فقیه و رهبری جامعه مکلف است ، آنچه را که پس از مشورت با انسان های مطلع و به دست آوردن اطلاعات لازم در زمینه اقدامات و امکانات و مصالح عامه به دست آورده و نتیجه گرفته است ، آن گونه که در قانون اساسی آمده ، به صلح یا جنگ دستور دهد است و در این راه ، از سرزنش اشخاص نترسد

امام علی ابن ابی طالب ع در نامه 53 نهج البلاغه (عهدنامه مالک اشتر) این مطلب و ابعاد آن را به خوبی تشریح می کنند :

وَلاَ تَدْفَعَنَّ صُلْحاً دَعَاکَ إِلَيْهِ عَدُوُّکَ وَلِلَّهِ فِيهِ رِضًى، فَإِنَّ فِي الصُّلْحِ دَعَةً لِجُنُودِکَ وَرَاحَةً مِنْ هُمُومِکَ وَأَمْناً لِبِلاَدِکَ، وَلَکِنِ الْحَذَرَ کُلَّ الْحَذَرِ مِنْ عَدُوِّکَ بَعْدَ صُلْحِهِ، فَإِنَّ الْعَدُوَّ رُبَّمَا قَارَبَ لِيَتَغَفَّلَ، فَخُذْ بِالْحَزْمِ وَاتَّهِمْ فِي ذَلِکَ حُسْنَ الظَّنِّ. وَإِنْ عَقَدْتَ بَيْنَکَ وَبَيْنَ عَدُوِّکَ عُقْدَةً، أَوْ أَلْبَسْتَهُ مِنْکَ ذِمَّةً، فَحُطْ عَهْدَکَ بِالْوَفَاءِ، وَارْعَ ذِمَّتَکَ بِالاَْمَانَةِ، وَاجْعَلْ نَفْسَکَ جُنَّةً دُونَ مَا أَعْطَيْتَ، فَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْ فَرَائِضِ اللهِ شَيْءٌ النَّاسُ أَشَدُّ عَلَيْهِ اجْتِمَاعاً، مَعَ تَفَرُّقِ أَهْوَائِهِمْ وَتَشَتُّتِ آرَائِهِمْ، مِنْ تَعْظِيمِ الْوَفَاءِ بِالْعُهُودِ. وَقَدْ لَزِمَ ذَلِکَ الْمُشْرِکُونَ فِيمَا بَيْنَهُمْ دُونَ الْمُسْلِمِينَ لِمَا اسْتَوْبَلُوا مِنْ عَوَاقِبِ الْغَدْرِ؛ فَلاَ تَغْدِرَنَّ بِذِمَّتِکَ، وَلاَ تَخِيسَنَّ بِعَهْدِکَ، وَلاَ تَخْتِلَنَّ عَدُوَّکَ، فَإِنَّهُ لاَ يَجْتَرِئُ عَلَى اللهِ إِلاَّ جَاهِلٌ شَقِيٌّ. وَقَدْ جَعَلَ اللهُ عَهْدَهُ وَذِمَّتَهُ أَمْناً أَفْضَاهُ بَيْنَ الْعِبَادِ بِرَحْمَتِهِ، وَحَرِيماً يَسْکُنُونَ إِلَى مَنَعَتِهِ، وَيَسْتَفِيضُونَ إِلَى جِوَارِهِ، فَلاَ إِدْغَالَ وَلاَ مُدَالَسَةَ وَلاَ خِدَاعَ فِيهِ. وَلاَ تَعْقِدْ عَقْداً تُجَوِّزُ فِيهِ الْعِلَلَ، وَلاَ تُعَوِّلَنَّ عَلَى لَحْنِ قَوْل بَعْدَ التَّأْکِيدِ وَالتَّوْثِقَةِ، وَلاَ يَدْعُوَنَّکَ ضِيقُ أَمْر لَزِمَکَ فِيهِ عَهْدُ اللهِ، إِلَى طَلَبِ انْفِسَاخِهِ بِغَيْرِ الْحَقِّ؛ فَإِنَّ صَبْرَکَ عَلَى ضِيقِ أَمْر تَرْجُو انْفِرَاجَهُ وَفَضْلَ عَاقِبَتِهِ، خَيْرٌ مِنْ غَدْر تَخَافُ تَبِعَتَهُ، وَأَنْ تُحِيطَ بِکَ مِنَ اللهِ فِيهِ طِلْبَةٌ، لاَ تَسْتَقْبِلُ فِيهَا دُنْيَاکَ وَلاَ آخِرَتَکَ.

اگر دشمنت تو را به صلح فراخواند، از آن روى برمتاب كه خشنودى خداى در آن نهفته است. صلح سبب بر آسودن سپاهيانت شود و تو را از غم و رنج برهاند و كشورت را امنيت بخشد. ولى، پس از پيمان صلح، از دشمن برحذر باش و نيك برحذر باش. زيرا دشمن، چه بسا نزديكى كند تا تو را به غفلت فرو گيرد. پس دورانديشى را از دست منه و حسن ظن را به يك سو نه و اگر ميان خود و دشمنت پيمان دوستى بستى و امانش دادى به عهد خويش وفا كن و امانى را كه داده اى، نيك، رعايت نماى.

در برابر پيمانى كه بسته اى و امانى كه داده اى خود را سپر ساز، زيرا هيچ يك از واجبات خداوندى كه مردم با وجود اختلاف در آرا و عقايد، در آن همداستان و همرأى هستند، بزرگتر از وفاى به عهد و پيمان نيست. حتى مشركان هم وفاى به عهد را در ميان خود لازم مى شمردند، زيرا عواقب ناگوار غدر و پيمان شكنى را دريافته بودند. پس در آنچه بر عهده گرفته اى، خيانت مكن و پيمانت را مشكن و خصمت را به پيمان مفريب. زيرا تنها نادانان شقى در برابر خداى تعالى، دليرى كنند. خداوند پيمان و زينهار خود را به سبب رحمت و محبتى كه بر بندگان خود دارد، امان قرار داده و آن را چون حريمى ساخته كه در سايه سار استوار آن زندگى كنند و به جوار آن پناه آورند. پس نه خيانت را جايى براى خودنمايى است و نه فريب را و نه حيله گرى را.

پيمانى مبند كه در آن تأويل را راه تواند بود و پس از بستن و استوار كردن پيمان براى بر هم زدنش به عبارتهاى دو پهلو كه در آنها ايهامى باشد، تكيه منماى. و مبادا كه سختى اجراى پيمانى كه بر گردن گرفته اى و بايد عهد خدا را در آن رعايت كنى، تو را به شكستن و فسخ آن وادارد، بى آنكه در آن حقى داشته باشى. زيرا پايدارى تو در برابر كار دشوارى كه اميد به گشايش آن بسته اى و عاقبت خوشش را چشم مى دارى، از غدرى كه از سرانجامش بيمناك هستى بسى بهتر است. و نيز به از آن است كه خداوندت بازخواست كند و راه طلب بخشايش در دنيا و آخرت بر تو بسته شود.

## مقاومت در استمرار جنگ پس از فتح خرمشهر

نمونه بارز این مشورت و تصمیم را می توان در استمرار جنگ پس از فتح خرمشهر دید بر اساس آنچه در مستندات آمده ، امام خمینی شخصاً با استمرار جنگ مخالفت داشتند اما اکثریت فرماندهان آن را مفید و مقدور دانسته بودند و لذا امام به استمرار آن تاکید کرده و به رغم نظر اولیه خود ، تلاش کرد تا جنگ را به نفع ملت ایران به پایان برساند

## مقاومت در پذیرش صلح قطعنامه 598

جالب آنکه در انتهای جنگ نیز حضرت امام با صلح با صدام ، به شدت مخالف بود و آن را مغایر مصالح ایران می دانست ایشان بر استمرار «جنگ تا رفع فتنه» در جهان تاکید داشته و این را در سخنان خود مطرح می کردند و مردم را به آن تشویق می نمودند و مهم تر آن که صدام و حامیان وی را در ادعای صلح دروغ گو دانسته و غیر قابل اعتماد می شمرد و تاریخ نشان داد که تحلیل امام نسبت به صدام و حامیان وی ، کاملاً صحیح است او پس از پذیرش قطعنامه به ایران حمله کرد و همه نیز از او حمایت کردند

# **آیا پس از فتح خرمشهر ، قرار بود 100 میلیارد لار غرامت به ما بدهند ؟!**

یکی از کسانی که ادعا کرده است که قرار بود پس از فتح خرمشهر به ایران 100 میلیارد دلار خسارت بدهند ولی ایران نپذیرفت آقای دکتر ابراهیم یزدی است که بدلیل عدم پذیرش این پیشنهاد ، امام را سرزنش می کنند ، اما این ادعا آن چنان غیر منطقی و غیر قابل باور و غیر حقوقی و غیر اجرائی است که پذیرش آن از سوی افرادی که با حقوق بین الملل آشنا هستند ، بسیار بعید است و لذا ضروری است به سوابق سیاسی و دانش کسی مانند آقای دکتر ابراهیم یزدی توجه شود آن گاه به بررسی مسئله بپردازیم و این مشکل را ببینیم که چگونه می تواند یک انسان در سطح سیاسی آقای یزدی ، با این همه سوابق سیاسی قبل و بعد از انقلاب ، چگونه بلا شنیدن 100 میلیارد دلار ، «ذوق زده» شده و مسئله را ساده انگارانه تحلیل می کند

## خلاصه زندگی نامه دکتر یزدی

آقای دکتر ابراهیم یزدی، در مهر ماه 1310 در شهر قزوین به دنیا آمد و در سال 1316 به تهران مهاجرت کرد. آن‌طور که خودش در خاطراتش اشاره می‌کند، اجداد پدری‌اش همگی یزدی‌هایی بودند که به قزوین مهاجرت کرده بودند. وی ﺩﺭ 6سالگی به همراه خانواﺩه به تهران مهاجرت کرد و برای گذراندن تحصیلاﺕ متوسطه راهی ﺩبیرستان ﺩاﺭالفنون شد. ورود او به سیاست از دوران دبیرستان و با هدایت برادر بزرگ ترش کاظم و با عضویت در نهضت خداپرستان سوسیالیست آغاز شد. او در سال های پیش از انقلاب به جریان های مبارز سیاسی موسوم به ملی- مذهبی نزدیک بود و از سازمان مجاهدین خلق که در آن زمان مورد تایید بسیاری از متدیننین مبارز بود ، حمایت می کرد. یزدی برای گذراندن دوران پسادکتری به آمریکا مهاجرت کرد و رهبری نهضت آزادی خارج از کشور را به عهده گرفت. او در این سال ها با گروه ها و مبارزین اسلامی چه در ایران و چه در دیگر کشورها در ارتباط بود. با هجرت امام خمینی به فرانسه او نیز به فرانسه رفت و ترجمه صحبت های امام خمینی را به عهده گرفت.

با بازگشت امام خمینی به ایران در 12 بهمن 57، ابراهیم یزدی نیز همراه ایشان در پرواز انقلاب، وارد کشور شد. با ورود امام(ره) به ایران، وی از سوی امام خمینی ، به عضویت شورای انقلاب ، منصوب شد ، مهندس بازرگان به نخست‌وزیری دولت موقت برگزیده شد و مسئول انتخاب کابینه انقلاب نوپای اسلامی شد. و در دولت موقت به معاونت نخست وزیری در امور انقلاب و سپس وزارت امور خارجه منصوب شد. وی دومین وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران است که در سطح بین المللی با شخصیت های فراوانی ملاقات و گفتگو داشته ، از جمله با صدام حسین رئیس جمهور و سعدون حمادی وزیر امور خارجه وقت عراق دیدار و ملاقات کرده است .

ابراهیم یزدی شامگاه یکشنبه در سن 86سالگی پس از دوره‌ای بیماری در شهر ازمیر ترکیه که برای مداوا به این شهر رفته بود، درگذشت.[[3]](#footnote-3)

مشروح دوملاقات دکتر یزدی با صدام و سعدون حمادی در سایت تاریخ ایرانی آمده است

ابراهیم یزدی، وزیر امور خارجه دولت موقت روز شنبه 10 شهریور 1358 (Saturday 1 سپتامبر 1979 (1/09/1979)

ابراهیم یزدی، وزیر امور خارجه دولت موقت، روز یکشنبه 11 شهریور 1358 ( Sunday 2 سپتامبر 1979 (2/09/1979) الأحد , 9 شوال 1399 (1399/10/9) ) در حاشیه اجلاس سران جنبش عدم تعهد در هاوانا پایتخت کوبا، با سعدون حمادی، همتای عراقی خود دیدار و گفت وگو کرد که در آن به موضوع دخالت عراق در ناآرامی های کردستان و خوزستان و حضور کردهای معارض در ایران پرداخته شد. یزدی 35 سال پس از این دیدار، برای اولین بار متن کامل گفت وگوی خود با وزیر امور خارجه عراق را در اختیار «تاریخ ایرانی» گذاشت که بخشی از خاطرات منتشر نشده اوست.[[4]](#footnote-5)

# **بررسی افسانه پیشنهاد 100 میلیارد دلار خسارت**

چگونه شخصیتی مانند آقای دکتر ابراهیم یزدی ، با این همه سوابق سیاسی باور کرده است که قرار است 100 میلیارد دلار به ما بدهند ، جای تعجب فراوان دارد

سایت تاریخ ایرانی ، مجموعه ای دارد تحت عنوان «ناگفته های ابراهیم یزدی از جنگ ایران و عراق» که خواندنی و عبرت آموز است

در قسمت 3 گفت و گو، که در تاریخ 08 مهر 1393 منتشر شده مطالب جالبی را در زمینه 100 میلیارد دلار ، می خوانیم که کشورهای عربی پس از فتح خرمشهر آماده پرداخت غرامت به ایران هستند

ابتدا مشروح مصاحبه آقای دکتر ابراهیم یزدی را بخوانیم :

در گفت وگو با سردار یحیی صفوی به بیانیه ای از نهضت آزادی اشاره شده که در آن آمده است: «در اجرا و تداوم جنگ، غیر از مرحله دفاعی مشروع و قانونی اولیه که صدام و ارتش او را دچار شکست و خواری و مجبور به فرار گرداند، دولت عراق خواهان صلح و آماده برای پرداخت غرامت گردید.» سردار صفوی هم گفته عراق هیچ وقت آماده پرداخت غرامت نبود. از برخی فرماندهان نظامی هم که سؤالاتی در این باره داشتم، گفتند که پیشنهاد مکتوب و مشخصی از سوی عراق برای پرداخت غرامت به ایران داده نشده بود. آقای ولایتی هم گفته «اینکه برخی ها می گویند ما حاضر به دریافت غرامت از عراق نشدیم شایعه است؛ اگر کسی ادعایی در این مورد دارد مستندات خود را ارائه دهد.» آقای هاشمی رفسنجانی هم در یادداشتی که در شهریور 1389 منتشر کرده، پیشنهاد دریافت غرامت برای پایان جنگ پس از فتح خرمشهر را «یک شایعه خبیث» خوانده و نوشته: «میانجی ها که اکثراً کشورهای عرب منطقه بودند، وقتی منطق و استدلال قوی ایران را در مورد خروج کامل ارتش عراق از خاک ایران و محاکمه متجاوز و پرداخت غرامت در مذاکرات دیدند، با کمک بوق تبلیغاتی غرب و با هدف تضعیف روحیه مقاومت و دفاع مردم ایران، اقدام به انتشار شایعات بی اساس می کردند که یکی از خبیث ترین شایعات آنان پیشنهاد غرامت ها پس از فتح خرمشهر بود.» ماجرای اشاره نهضت آزادی به پیشنهاد پرداخت غرامت پس از فتح خرمشهر چه بود؟ شما چه مستنداتی در این باره دارید؟

وقتی خرمشهر فتح شد، سران کشور های منطقه به شدت وحشت کرده بودند و جمعاً با هم تصمیم می گیرند که به ایران غرامت بدهند. اتفاقا این موضوع در خاطرات آقای هاشمی آمده است. همان زمان بی بی سی این خبر را منتشر کرد که اعراب حاضر شده اند 100 میلیارد دلار بابت خسارت جنگ به ایران بپردازند. این موضوع در جلسات غیرعلنی مجلس هم مطرح شد. در گزارشی که در مجلس قرائت شد آمده بود سران کشورهای منطقه می گویند که حاضرند 60 میلیارد دلار غرامت بپردازند، اما باید 90 میلیارد دلار بپردازد. من هم پس از قرائت این گزارش در مجلس گفتم اگر قرار بر پذیرش شرایط صلح است، بنشینید و مذاکره کنید. آن ها یک رقم می گویند، شما رقم دیگر، بالاخره بر سر یک رقم توافق خواهید کرد. آقای درودیان از مرکز تحقیقات جنگ سپاه بار ها در این باره از من پرسیده که سند شما برای پیشنهاد پرداخت غرامت به ایران چیست که من هم اسنادش را به او دادم. گفتم هم بی بی سی این خبر را منتشر کرد و هم در خاطرات هاشمی آمده که اعراب توسط سفیر ایتالیا، پیشنهاد کردند که ما تمام شرایط ایران را برای پایان جنگ می پذیریم، 100 میلیارد دلار غرامت هم می دهیم. همه شرایط ایران را می پذیریم، جز مجازات صدام. در 17 مرداد 1361 هیاتی ترک به تهران آمد و با مقامات کشور مذاکره کرد. روزنامه اطلاعات فردای آن روز به نقل از آقای ولایتی نوشت: «نخست وزیر و وزیر خارجه ترکیه در این سفر مطلب جدیدی برای گفتن نداشتند و تنها در رابطه با پرداخت غرامت پیشنهاد کردند که یک صندوق اسلامی پرداخت خسارات وارده از این جنگ به ایران را به عهده می گیرد. لیکن آقای خامنه ای رئیس جمهوری و ریاست شورای عالی دفاع که همواره در اینگونه جلسات بیانگر مواضع به حق جمهوری اسلامی ایران بوده اند، ضمن رد قاطع این پیشنهاد، اظهار داشتند: ما ملتی بالقوه غنی هستیم و عزت ما اجازه نمی دهد که از چنین کمک هایی استفاده نماییم. امت غیور ما نیازی به گرفتن اعانه از هیچ کس ندارد، اما صدام تکریتی را ملزم به پرداخت این غرامت می داند.»

رقم 100 میلیارد دلار غرامت به ایران، همان میزان خسارتی است که طبق برآوردهای سازمان ملل پس از پایان جنگ باید به ایران پرداخت می شد، اما رقم درخواستی ایران پس از پذیرفتن قطعنامه، 1000 میلیارد دلار بوده است.

100 میلیارد دلار خسارت پس از پایان خرمشهر مطرح شده بود. دبیرکل سازمان ملل، آغازگر جنگ را عراق معرفی کرد، اما آن ها ایران را مسئول ادامه جنگ بعد از فتح خرمشهر می دانند. البته 100 میلیارد دلار غرامت، رقم پیشنهادی کشورهای عربی بود و نه عراق.

پس اینکه عراق آماده پرداخت غرامت نبود و این صرفا پیشنهادی بود از طرف کشورهای عربی، نقل درستی است.

عراق هم در آن جلسه ای که کشورهای عربی چنین پیشنهادی مطرح کردند، حضور داشت. علاوه بر این سخنرانی صدام را بعد از فتح خرمشهر بخوانید. او می گوید ما اشتباه کرده ایم، من دستور داده ام که سربازان ما به پشت مرز ها برگردند. اما صدام در شرایط مالی نبود که بتواند این غرامت را بپردازد. عرب ها گفتند که ما می پردازیم. اگر در مواردی کشور های عربی به صدام در جنگ علیه ایران کمک کرده بودند چه ایرادی داشت اگر آن ها غرامت جنگ را می پرداختند.[[5]](#footnote-6)

همانگونه که ملاحظه فرمودید مبنای سخنان آقای ابراهیم یزدی صرفا خبری است که از زبان بی‌بی‌سی نقل شده که قرار است اعراب (و نه صدام) غرامت 100 میلیارد دلاری به ایران بدهد ، اینکه در کجا و چگونه اعراب گفته اند مسئله ای است که باید بعدها به آن پرداخت اما فرض بر آن می‌گذاریم که در یک جلسه رسمی آنان این مطلب را نوشته و مکتوب کردند وهمگی هم امضاء نمودند ؟! که چنین چیزی (حداقل تا این لحظه) وجود ندارد.

جالب آن که آقای یزدی در همین مصاحبه مبلغ را نوع دیگر ذکر می کند که در جلسه غیر علنی مجلس از سوی برخی نمایندگان ، مطرح شده که عرب ها حاضرند 60 میلیارد دلار غرامت بپردازند اما باید 90 میلیارد دلار بپردازد توجه داشته باشیم که بین 100 میلیارد دلار با 60 میلیارد دلار حدود 40 میلیارد دلار تفاوت است ؟! اگر این سخنان بر اساس یک سند رسمی بود ، حتی اگر بر اساس یک سند عادی مکتوب (نه خبر بی بی سی) مستند می شد؟ آقای یزدی در همان جلسه باید می گفت که بر اساس این سند قرار است100 میلیارد دلار بپردازند ، آقای یزدی که خود این را قبول داشت در همان جا این سند را رو میکرد اما نه تنها ایشان و دوستانشان چنین نکرده بلکه ایشان می گوید : « من هم پس از قرائت این گزارش در مجلس گفتم اگر قرار بر پذیرش شرایط صلح است، بنشینید و مذاکره کنید. آن ها یک رقم می گویند، شما رقم دیگر، بالاخره بر سر یک رقم توافق خواهید کرد. » این پاسخ منطقی نیست ، ایشان باید در همان جلسه محکم می گفت : دوستان بر اساس این سند که الان نشان تان می دهم ، عرب ها قرار است 100 میلیارد دلار به ما بدهند شما چرا بر روی 60 میلیارد دلار بحث می کنید و قیمت را پایین می اورید ، ما این سند را می گیریم و با آنان شروع به کار خواهیم کرد

متن سخنان و خاطرات خود آقای یزدی نشان می دهد که این ادعا ها دارای پشتوانه حقوقی و بین‌المللی نیست و اگر بنا را بر حسن نیت افرادی که این ادعا را کرده‌اند بگذاریم باید پذیرفت که این اشخاص ساده انگارانه یک خبر بی بی سی را به عنوان یک سند بین المللی پذیرفته‌اند

این باور و یا توهم از کجا به دست آمده بود آن گونه که خودشان بیان می‌کنند توسط رادیو بی‌بی‌سی و یا در یک کنفرانس مطرح گردیده بدون آنکه حتی یک نامه رسمی ضمیمه آن باشد در این صورت پذیرش این ادعا از سوی کسی که دیپلمات بوده و در بالاترین رده های دیپلماسی به عنوان وزیر امور خارجه کار کرده امری بسیار ساده انگارانه است چگونه می توان وعده های در یک جلسه شفاهی را به عنوان یک قرارداد مسلم دیپلماسی پذیرفت و بر اساس آن صلح نامه یا آتش بسی را عملیاتی کرد آن هم در زمانی که هنوز بخش های وسیعی از خاک ایران در اشغال دشمن است

در همین مصاحبه اظهار می دارند که صدام حسین خودش این پیشنهاد را قبول نداشته ؟! و حتی اگر قبول می کرد ، توان اجرایی آن را نداشت توجه داشته باشیم که پس از فتح خرمشهر و دست برتر ایران ، هنوز مناطق فراوانی از سرزمین ایران در اشغال دولت عراق بود و صدامیان بر آن تسلط داشتند اگر فرض را بر این بگذاریم که ما این توصیه را پذیرفته بودیم آن هم با هیچ گونه سند و قرارداد بین المللی که هیچ یک از نهادهای بین المللی تایید نشده است و پس از آن صدام خود را مجدداً تجهیز کرده نه تنها مکان‌های گذشته را نگه می داشت بلکه مجدداً مناطقی از ایران را اشغال می‌کرد چه پاسخی به مردم خویش داشتیم

## حتی اگر 100 میلیارد دلار در قطعنامه بود!!

بر این باوریم که اگر 100 میلیارد دلار قاطعانه و بدون امکان هیچ تفسیری ، در قطعنامه سازمان ملل متحد و شورای امنیت و ذیل فصل هفتم تصویب می شد و در آن می نوشتند که دولت عراق باید از همه سرزمین ما عقب نشینی کند و غرامت بدهند، هرگز دولت عراق (تا سال 1369 زمان حمله به کویت) چنین کاری را انجام نمی داد و با رفت و آمد در سازمانهای بین المللی، حتی یک وجب از خاک ما را پس نمی دادند و هیچ اسیری هم آزاد نمی شد و غرامتی نیز به ما تحویل نمی دادند.

جالب آنکه تاریخ نشان داد حتی اسناد بین المللی و قطعی شورای امنیت ، در برابر زور و قدرت ستمگران هیچ گونه ارزشی نداشته و «کاغذ پاره» ای بیش نیست ، حتی اگر این 100 میلیارد دلار در قطعنامه سازمان ملل هم آمده بود به آن دلخوش نمی شدیم بلکه آن را طرح فریبی می دانستیم ، اما نه تنها در هیچ قطعنامه ای نیامده است که آنچه در قطعنامه 598 هم آمد هرگز عملیاتی نشد در قطعنامه صادره پس از فتح خرمشهر هیچ‌گونه اشاره‌ای به پرداخت غرامت ندارد آن را مطالعه فرمایید که اگر می داشت از نظر حقوق دانان بین المللی آگاه به سوابق قطعنامه ها ، در صحنه اجراء ، هیچ ارزشی نداشت و برای آن دلیل قطعی داریم.

می گویید نه ، این ها بدبینی است ، «واقع گرا» باشیم و «معقولانه» حرکت کنیم . با همدیگر داستان غم بار اصرار غربی ها و عرب ها برای تصویب و تحمیل وسپس پذیرش قطعنامه 598 که به عنوان جام زهر را به امام داده شد را می خوانیم و خواهیم دید که بسیاری از انسان های دلسوز ساده انگار تحت تاثیر همین تبلیغات ، در ایران همین تفکرات آن را تحمیل کردند و در حالی که در قطعنامه به صراحت آمده بود که عقب نشینی باید صورت گیرد ببینیم پس از آن چه اتفاقی افتاد

# **تجربه قطعنامه 598 ، نشان کامل دروغ بودن ادعای خسارت**

بی ارزش بودن قطعنامه های شورای امنیت، در دیدگاه متولیان همان سازمان، و نکات مهم آن در «عدم ایجاد صلح و امنیت بین المللی» ، اگر هیچ دلیلی نداشته باشد جز قطعنامه 598 ، کاملا می توان دید که این قطعنامه ها هیچ ارزشی برای حقوق بین الملل نداشته و تنها مقاومت ملت ها و مقاومت ملت ایران ، حقوق ایران را احیاء کرد

با پذیرش این قطعنامه ، هیچ چیز ، به ایران ندادند

حتی در برابر نقض بند اول این قطعنامه توسط صدام ، همه سکوت یا تایید کردند

رفت و آمد ایرانیان مظلوم در سازمان های بین المللی، حتی یک سطر فائده نداشت

اما ... فقط با حمله دوسال بعد صدام به کویت و عربستان ، اوضاع شان به هم ریخت

و ما طعم شیرین آزادی اسرایمان را چشیدیم

و سرزمین های باقیمانده آزاد شد

داستان پذیرش قطعنامه 598 ، داستانی تلخ و عبرت آموز از فشارهای صلح طلبانه غربی ها و سران کشورهای عربی در حمایت از صدام بود

در آن زمان ، همه با هم کنار صدام بودند ؛ و صدام ، «قهرمان صلح و آزادی» بود و ایران « جنگ طلب » تلقی می شد

## متن قطعنامه514 شورای امنیت ، پس از فتح خرمشهر ، در این قطعنامه هیچ سخنی از متجاوز و غرامت نیست

مورخ دوازدهم جولای 1982 (21 تیر 1361)

شورای امنیت

با توجه مجدد به مساله عنوان شده در وضعیت ایران و عراق

و با توجه به نگرانی فزاینده‌اش درباره طولانی شدن نزاع بین این دو کشور، که موجب‌ خسارت‌های سنگین جانی و مالی شده است و صلح و امنیت بین‌المللی را در معرض خطر قرار می‌دهد

و با اشاره به احکام ماده دوم منشور سازمان ملل متحد و اینکه صلح و امنیت بین‌المللی در این منطقه نیازمند تعهد قاطع نسبت به این احکام است

و با اشاره به اینکه به موجب ماده 24 منشور سازمان، مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بر عهده شورای امنیت گذاشته شده است و...

با اشاره به قطعنامه 479(1980) که در تاریخ بیست و هشتم سپتامبر 1980 به صورت اجماع تصویب شد، به علاوه بیانیه‌ای که رئیس شورای امنیت در تاریخ پنجم نوامبر (s/14244) قرائت کرد و با آگاهی از تلاش‌های میانجیگرانه‌ای که گذشته از جنبش عدم تعهد و سازمان کنفرانس اسلامی، به طور خاص دبیر کل و نماینده‌اش انجام می‌دهد.

1- خواستار آتش‌بس و پایان دادن به تمام عملیات نظامی به صورت فوری است.

2- همچنین این شورا خواستار عقب‌نشینی نیروها به مرزهای شناخته شده بین‌المللی است.

3- شورا، گروهی از ناظران سازمان ملل را برای تحقیق و تائید آتش‌بس و نظارت بر آن می‌فرستد و از دبیر کل انتظار دارد که گزارشی از این ترتیبات لازم به این منظور را به شورا ارائه دهد.

4- شورا تداوم تلاش‌های میانجیگرانه به روش هماهنگ با سازمان ملل را تشویق می‌کند. هدف از این تلاش‌ها دست‌یابی به حل و فصلی همه‌جانبه و عادلانه و شرافتمندانه برای همه امور مربوط است و به نحوی باید باشد که هر دو طرف بپذیرند و بر مبنای اصول منشور سازمان ملل متحد و مبتنی بر احترام به حاکمیت و استقلال و تمامیت ارضی کشورها و عدم دخالت در امور داخلی آن‌ها باشد.

5- از تمام دولت‌ها انتظار دارد که تمام اعمالی را که می‌تواند در تداوم این نزاع نقش داشته باشد، منع کنند تا اجرای این قطعنامه تسهیل شود.

6- شورا از دبیر کل می‌خواهد ظرف سه ماه گزارشی را درباره نحوه اجرای این قطعنامه به شورا ارائه دهد.[[6]](#footnote-7)

متن اصلی به زبان انگلیسی در پاورقی تقدیم می شود[[7]](#footnote-8)

بالاخره ایران قطعنامه را پذیرفت اما مدافعان صلح !! در برابر حمله یک هفته بعد از پذیرش قطعنامه توسط صدام و منافقین به خاک ایران ، سکوت کردند و با تبلیغات رسانه ها ، جشن پیروزی گرفتند ، اما ملت ما به تهاجم منافقین و صدام پاسخ قهرمانانه دادند و آنان را مجددا بیرون ریختند

تا دو سال بعد همچنان پشتیبان صدام ماندند و با رفت و امد ما در پله های سازمان ملل ، حتی یک « پوست پیاز » هم به ما ندادند و هرگز کوچکترین حرکتی در راستای عملیاتی شدن قطعنامه 598 نکردند نه یک اسیر ما آزاد شد و نه یک وجب خاک باقیمانده ، عقب نشینی شد

تا ... روزی که صدام به کویت حمله کرد

آنگاه ، صدام یک شبه شد « ضد بشر » ، همه به او حمله کردند و ما به حقوق خود رسیدیم ، فقط همین یک دلیل ، نه قطعنامه ها و نه سازمان های بین المللی . حقوق بین الملل ، هیچ ، تاکید می کنیم «هیچ چیزی» به ایران در قبال پذیرش قطعنامه 598 نداد و اگر صدام به کویت حمله نمی کرد ؛ هرگز «هیچ چیزی» نمی دادند ، فقط این اتفاق ، ما را پیروز کرد

## تاریخچه قطعنامه 598 را درست بنویسید

خلاصه ای از روند تاریخ قطعنامه 598 را ملاحظه فرمائید (لطفا به تاریخ های هر واقعه ، با دقت توجه فرمائید، حتی روز دقیق هر واقعه ، بسیار مهم است ؛ برخی بدلیل ندانستن این تاریخ ها، اشتباهات تحلیلی و محاسباتی عجیبی دارند و مسائل را مخلوط می کنند)

1. روز دوشنبه ۲۹ تیر ۱۳۶۶ برابر 20 جولای 1987 تصویب قطعنامه 598 ( قطعنامه 598 شورای امنیت یکی از قطعنامه های شورای امنیت است که در 29 تیر 1366، برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق صادر شد. این قطعنامه از نظر کمی و تعداد واژه های به کار گرفته شده مفصل ترین و از نظر محتوا اساسی ترین و از نظر ضمانت اجرایی قوی ترین قطعنامه شورای امنیت در مورد این جنگ بوده است. این قطعنامه بلافاصله از سوی عراق پذیرفته شد – ویکی پدیا)

2. روز چهارشنبه 27 تیرماه 1367 برابر 18 جولای 1988 (363 روز پس از تصویب ) پذیرش قطعنامه 598 توسط ایران ( دو روز مانده به سالروز صدور آن در 27 تیر 1367 از سوی ایران پذیرفته شد و (حضرت امام) سید روح الله خمینی (رهبر وقت ایران) در 29 تیر 1367 پیامی درباره پذیرش قطعنامه منتشر کرد که به « نوشیدن جام زهر » معروف شد. ویکی پدیا)

3. تشدید جنگ پس از پذیرش قطعنامه توسط ایران

پذیرش این قطعنامه هرچند به معنای پذیرش آتش بس از سوی ایران بود، ولی عراق به حملات خود ادامه داد و مجدداً داخل خاک ایران شد تا نقاط مهمی از جمله خرمشهر را به دست بیاورد تا با وضع بهتری در مذاکرات حضور داشته باشد، اما موفقیتی بدست نیاورد و نهایتاً جنگ در 29 مرداد 1367 پایان یافت. ویکی پدیا)

3.1 روز یکشنبه 2 مرداد 1367 برابر 24 جولای 1988 (5 روز پس از پذیرش ایران) حمله عراق از جنوب {پس قطعنامه موجب آتش بس نشد بلکه باعث تشدید جنگ گردید}

3.2 چهار شنبه پنجم مرداد ماه ۱۳۶۷ برابر 27 جولای 1988 (8 روز پس از پذیرش ایران) عملیات فروغ جاویدان منافقین وحمله از غرب کشور و قتل عام وحشیانه نمودند {پس قطعنامه موجب آتش بس نشد بلکه باعث تشدید جنگ گردید}که با مرصاد رزمندگان شکست خوردند

3.3 سکوت تایید گونه کل دنیای غرب و سازمان های بین المللی و رسانه های عربی ، عبری ، غربی

3.4 پس از شکست سهمگین عراق در جنوب و منافقین در مرصاد و قتل تعداد فراوان کادرهای نفاق در آن عملیات و شکستن کمر نفاق در مرصاد ، صدام عقب نشینی کرد

3.5 در شامگاه 18 مرداد 67 (Tuesday , 9 August 1988 (9/08/1988)) {عراقی ها روز 08/08/1988 را روز آتش بس رسمی می دانند} قطعنامه آتش بس در شورای امنیت به تصویب رسید و فردای آن روز نیروهای سازمان ملل در بین نیروهای دو کشور مستقر شدند در حالی که هنوز بخشی از خاک ایران در دست عراقی ها بود

3.6 به مدت دو سال ، هیچ گونه اتفاقی به نفع ایران از سوی قطعنامه 598 نیفتاد و از مذاکره باصدام مورد حمایت کامل غرب و ارتجاع عرب ، چیزی نصیب ایران نشد

4. روز پنجشنبه 11 مرداد 1369 برابر دوم آگوست 1990 (دو سال و 13 روز پس از پذیرش قطعنامه توسط ایران) عراق به کویت حمله کرد ، آن گاه ، مسئله حل شد نه با قطعنامه 598 ، که با اشتباه مسلم محاسباتی صدام و درگیری بین خودشان ، مشکل ما را حل کردند

5 . روز شنبه 27 مرداد 1369 برابر 18 آگوست 1990 ، (دوسال و یک ماه پس از پذیرش قطعنامه ) آزادی اسرا و عقب نشینی صدام از بخشهای باقیمانده خاک ایران بدلیل درگیر شدن در جنگ کویت ، نه بدلیل قطعنامه 598

6 . روز چهارشنبه 26 دی 1369 برابر 16 ژانویه 1991 حمله نیروهای چند ملیتی به عراق و از بین رفتن لشکر صدام توسط دوستان سابق وی که همه با هم به ایران حمله کرده بودند

پس قطعنامه نه تنها موجب پایان جنگ نشد بلکه موجب تشدید جنگ بود

اگر حضور نیروی هوائی قهرمان نبود

اگر حضور هوانیروز ارتش قهرمان نبود

اگر حضور ارتش بزرگ ایران نبود

اگر حضور سپاه پاسدارن نبود

و اگر از همه مهمتر اگر حضور صدها هزار بسیجی داوطلب که به جبهه ها هجوم آوردند نبود

و اگر لطف الهی نبود

و اگر رهبری امام نبود

و اگر و اگر ... نبود

اگر صدام در جبهه جنوب پیروز می شد و تا عمق ایران می آمد

اگر منافقین هم در جبهه غرب ، پیروز می شدند و تا عمق کشور می آمدند

و آن گاه ، نظام سرنگون می شد

و آب از آب تکان نمی خورد

هیچ سازمان بین المللی و هیچ رئیس کشور و وزیر امور خارجه ای تجاوز صدام را محکوم نکرد

حتی گروه هائی مانند نهضت آزادی که اصرار بر پذیرش قطعنامه داشتند ، تجاوز صدام و منافقین را محکوم نکردند !!

لطفا تاریخ را اشتباه نگوئید

## 1 - روز دوشنبه ۲۹ تیر ۱۳۶۶ برابر 20 جولای 1987

## تصویب قطعنامه 598

قبل از این تاریخ و پس از این روز ، همه دستگاه تبلیغاتی غرب و سران کشورهای عرب منطقه خلیج فارس، یک سره دم از صلح زدند و ایران را به دلیل عدم پذیرش قطعنامه ، به باد انتقاد گرفتند و از صدام صلح دوست !! حمایت کردند و به ایران صفت «جنگ طلب» دادند

مفاد قطعنامه 598 شورای امنیت که در تاریخ 20ژوئیه 1987 بیان شد به شرح زیر است:

در 20 ژوئیه 1987،شورای امنیت

با ابراز نگرانی عمیق از اینکه با وجود درخواستهایش برای آتش‌بس منازعه بین جمهوری اسلامی ایران و عراق، با تلفات سنگین تر انسانی و ویرانی‌های بیشتر همچنان ادامه دارد،

با ابراز تاسف از آغاز و ادامه این منازعه،

همچنین با ابراز تاسف از بمباران مراکز کاملاً مسکونی غیرنظامی، حمله به کشتی‌های بی‌طرف و هواپیمایی مسافربری، نقض حقوق بین‌المللی درباره بشر دوستی و سایر حقوق مربوط به درگیری‌های مسلحانه، و به ویژه به کار بردن سلاحهای شیمیایی که بر خلاف تعهدات مذکور در پروتکل 1925 ژنو می‌باشد،

با ابراز نگرانی عمیق از اینکه تشدید و گسترش بیشتر منازعه ممکن است وقوع یابد

با اتخاذ تصمیم پایان دادن به کلیه عملیات نظامی بین ایران و عراق

و با اعتقاد به اینکه منازعه بین ایران و عراق باید به نحو جامع، عادلانه، شرافتمندانه و پایدار حل شود،

با یادآوری مجدد مقررات منشور ملل متحد، و به ویژه تعهد کلیه کشورهای عضو که اختلافات بین‌المللی خود را از راه‌های مسالمت‌آمیز و به گونه‌ای که صلح و امنیت بین‌المللی و عدالت دچار مخاطره نگردد، حل نمایند.

با احراز این که نقض صلح در مورد منازعه بین ایران و عراق وجود دارد،

با اقدام بر اساس مواد 39 و 40 منشور ملل متحد؛

آمرانه می‌خواهد که ایران و عراق به عنوان نخستین گام در حل اختلاف از طریق مذاکره، آتش‌بس فوری را رعایت کنند، کلیه عملیات نظامی را در زمین، دریا و هوا قطع کنند و نیروها را بدون درنگ به مرزهای شناخته شده بین‌المللی بازگردانند.

از دبیرکل درخواست می‌کند که گروهی از ناظران سازمان ملل را برای تأیید، تحکیم و نظارت بر آتش‌بس و عقب‌نشینی اعزام دارد و همچنین درخواست می‌کند که دبیرکل ترتیبات لازم را با مشورت با طرفین فراهم آورد و گزارش آن را به شورای امنیت تسلیم دارد.

مصراً می‌خواهد که اسیران جنگی پس از قطع عملیات خصمانه، بر طبق کنوانسیون سوم ژنو، در اوت 1949 بدون درنگ آزاد شوند و به کشورهای خود برگردند.

از ایران و عراق می‌خواهد که در اجرای این قطعنامه و کوشش‌های میانجیگری برای دستیابی به یک راه حل جامع، عادلانه و شرافتمندانه مورد قبول دو طرف، درباره کلیه مسائل مهم، بر طبق اصول مندرج منشور ملل متحد با دبیرکل همکاری کند.

از کلیه کشورهای دیگر می‌خواهد که نهایت خویشتن داری را به عمل آورند و از هر اقدامی که ممکن است منجر به تشدید و گسترش بیشتر منازعه گردد، خودداری کنند و به این ترتیب، اجرای قطعنامه حاضر را تسهیل کنند.

از دبیرکل درخواست می‌کند تا مشورت با ایران و عراق، مسئله ارجاع تحقیق درباره مسئولیت منازعه به هیئت بی‌طرفی را بررسی کنند و هرچه زودتر به شورای امنیت گزارش دهد.

با تصدیق ابعاد عظیم خساراتی که در طول منازعه داده شده و ضرورت تلاش‌های بازسازی با کمک‌های مناسب بین‌المللی پس از خاتمه منازعه، از دبیرکل درخواست می‌کند که گروهی از کارشناسان را برای بررسی مسئله بازسازی تعیین و به شورای امنیت گزارش کند.

همچنین از دبیرکل درخواست می‌کند از طریق مشورت با ایران و عراق و سایر کشورهای منطقه، راه‌های افزایش امنیت و ثبات منطقه را بررسی کند.

از دبیرکل درخواست می‌کند، که شورای امنیت را در مورد اجرای این قطعنامه آگاه سازد.

تصمیم می‌گیرد که در صورت لزوم برای بررسی اقدامات دیگر به منظور تضمین اجرای این قطعنامه تشکیل جلسه دهد.[[8]](#footnote-9)

متن انگلیسی قطعنامه 598 در پاورقی تقدیم می شود [[9]](#footnote-10)

## فشار های داخلی برای صلح

در پی صدور قطعنامه 598 فشارهای بسیار سنگینی به امام خمینی وارد شد تا ایشان قطعنامه را بپذیرد بحث های فراوانی در ایران ، میان مسئولین و اقشار مختلف شروع شد که برخی آن را به نفع ایران دانسته و برخی به ضرر می پنداشتند امام ، شخصاً از کسانی بود که این تعهدات را ناکافی دانسته و حتی در صورت کافی بودن ، غیر اجرائی می پنداشتند و لذا با هرگونه پذیرش آن مخالفت می کردند اما افراد دیگری در رده های مختلف حکومتی و خارج از حکومت و در گروه های سیاسی بودند که برای جا انداختن این قطعنامه تلاش فراوان کردند افرادی که به امام نامه نوشتند و در آن محترمانه و یا غیر محترمانه صلح را پیشنهاد کردند و استمرار جنگ را بیهوده دانستند

در این میان نهضت آزادی با اهانت هر چه تمام تر واژه های بسیار تندی را برای امام به کار برده و بی توجه به سرنوشت مردم می خواندند مهندس مهدی بازرگان با عنوان دبیر نهضت آزادی ایران در تاریخ اردیبهشت 1367 برابر با لیله القدر رمضان 1408 نامه محرمانه اما سرگشاده ای به امام نوشته که خواندن آن نامه بسیار عبرت آموز است [[10]](#footnote-11)

به استثناء اول آن که با عنوان «حضور محترم رهبر انقلاب و بنیانگزار جمهوری اسلامی ایران» محترمانه است در آن امام به عنوان « با رأی شخصی و بدون مشورت و نظرخواهی مستقیم و غیرمستقیم مردم، » ، « شما خوب می‌دانید فرعون بود » ، «اسلام و ایران مترادف با کینه و کشتار معرفی شده » ، « در لبه پرتگاه نابودی قرار گرفته‌ایم » و دهها واژه اهانت بار دیگر، خلاصه ای از نامه چنین است

آیا اصلاً رهبری یک ملت و اداره یک مملکت با رأی شخصی و بدون مشورت و نظرخواهی مستقیم و غیرمستقیم مردم، یا لااقل بدون استماع فریادها و نظریات آنها در کلیه قشرها، مخصوصاً از ستم‌دیدگان و صاحب‌نظران، می‌تواند مورد قبول خدای سبحان و مطابق با اصول نظامهای مقبول دنیا باشد؟ چنین روشی آیا با عدالت و امانت و با اسلام جور در می‌آید؟ شما خوب می‌دانید فرعون بود که می‌گفت ما اَریُکم اِلّا ما اری و ما اَهْدیکُم اِلّاسَبیل الرّشاد.(3)

گذشته از رساندن درددلهای هموطنان که در بالا اشاره شد تنها آن قسمت از مصائب و معضلات را فعلاً مطرح می‌نمائیم که ارتباط با جنگ تحمیلی و تجاوزی بی‌پایان فعلی دارد و چاره‌جویی که برای حال و آینده کشورمان باید کرد.

و در لبه پرتگاه نابودی قرار گرفته‌ایم؟

در چنین جنگ بی‌امان و بی‌پایان که تحقق «سفک دما و فساد فی‌الارض» می‌باشد، شیطان است که نظاره و قهقهه می‌کند. این هم شد کار؟ این هم شد افتخار؟ آیا ننگ است یا افتخار که اسلام و ایران مترادف با کینه و کشتار معرفی شده باشد؟

آیا وقت آن نرسیده است که رهبر انقلاب بازگشتی به خود و به خدای خود کرده و تجدید نظری در تصمیم و تصورات گذشته بفرمایند و به این ندای قرآن بیندیشند که فرمود:

الم یان للذین امنو آن تخشع قلوبهم لذکر الله و ما نزل من الحق ولا یکونوا کالذین اوتوا الکتاب من قبل فطال علیهم الامد فقست قلوبهم و کثیرمنهم فاسقون.(8)

3 صدام حسن نیت ندارد و خدعه می‌زند. اگر آتش‌بس بپذیریم نیروهایش را تقویت کرده و به ما حمله‌ور خواهد شد.

اولاً اگر صدام از فرصت آتش‌بس صلح برای تحکیم مواضع و تقویت نیروهای خود استفاده می‌کند ماهم می‌توانیم و می‌توانستیم همین کار را بکنیم. ثانیاً در برابر امکان خدعه دشمنی که تمایل به صلح نشان می‌دهد مگر خداوند نفرموده است:

وان جنحوا للسلم فاجنح لها و توکل علی الله انه هوالسمیع العلیم و آن یریدوا آن یخدعوک فان حسبک الله هو الذی ایدک بنصره و بالمومنین.(9)

دستوری که خدا به عنوان احتیاط و جلوگیری از تجاوز دشمنان داده است تدارک حداکثر قوا و آمادگی لازم به منظور ترساندن آنان از حمله به ما می‌باشد که در سوره انفال آمده است:(خواست خدا جنگ نشدن است نه تجاوز)

و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل ترهبون به عدوالله و عدوکم

4 صدام جانی بالفطره و دیوانه خطرناک است آیا چنین موجودی را نباید کشت؟

بلی، اگر او را مثل عقرب در حرکت اول زیر پای خود له کرده بودید حرفی نداشتیم. ولی شما با پلنگ زخم‌خورده در افتاده پا روی دم و دنده‌اش گذارده و به سر غیرت و خشمش آورده‌اید. نتیجه تابه حال این بوده که به هوای او وحوش زبان بسته جنگل را از بین برده و باعث شده‌اید که یک میلیون نفر یا بیشتر و کمتر از خودمان را دریده و فربه و درنده‌تر شده است. روستایی عاقل آیا با گرگ و پلنگ گلاویز می‌شود و گوسفندان خود را به جنگ آنان می‌فرستد که لقمه چربش بشوند یا در خانه و طویله را بسته با متانت و شجاعت از راه دیگر درصدد دفع و دفن جانوران گله‌خوار بر می‌آید؟

ما کاملاً قبول داریم که صدام موجود مخوف منفور جنایتکار است ولی فعالیتهای تبلیغاتی داخلی و دیپلماتیک خارجی شما را که با تکرار و اصرار شرارتهای او را بازگو و درخواست محکومیت می‌کنید تا حس انتقام مردم را تیزتر نمایید، مفید فایده و ثابت کننده مطلب تازه نمی‌دانیم. ضمن آنکه اینها نمی‌توانند عذر درگیریها با دیوانه زنجیری بشود.

آقای بازرگان و نهضت آزادی در خاتمه می نویسند :

ذکر این امر ضروری است که اتخاذ استراتژی صلح مغایرتی با اکتساب حقوق حقه و طبیعی ملت ایران ندارد . تعیین متجاوز و دریافت غرامت، حق قانونی ما بوده و منظور از این استراتژی تسلیم و قبول صلح بلا شرط نیست. لیکن پایان درگیری را نباید موکول به تعیین متجاوز کرد. در یک آتش‌بس بلاشرط، احقاق حقوق با تلاش پیگیر سیاسی و دیپلماتیک (و به تصریح بسیاری از پیشنهادات صلح گذشته) قابل حصول بوده و می‌باشد.

اگر برای شخص جنابعالی ابتکار و رهبری مستقیم جریان پایان بخشی به جنگ دشوار باشد - که مسلماً هم هست و بزرگترین فداکاری از ناحیه شما می‌باشد – می‌توانید ترتیبی که در موارد دیگر عمل فرموده‌اید تصمیمگیری و مذاکرات را به مقامات و شوراهای قانونی و مسئول واگذار نمائید.

بسیار خوب ، امام تا تاریخ 27 تیرماه 1367 در جنگ مقاومت کرد و حتی زمانیکه نامه تفصیلی آقای محسن رضائی به آقای هاشمی رفسنجانی هم بدست ایشان رسید ، همچنان بر جنگ با صدام اصرار داشت ایشان در نامه ای که به آقای هاشمی نوشتند برای استمرار جنگ ، نیازمندی هائی را مطرح کردند و در آن ضمن تاکید بر مشکلات ، استمرار جنگ را بیان کردند.

متن نامه 2 تیرماه 1367 منتشر نشده محسن رضایی به هاشمی درباره پایان جنگ

محسن رضایی برای نخستین بار متن کامل نامه خود به هاشمی درباره پایان جنگ را منتشر کرد.

دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام در دومین شب حضور در برنامه «سطرهای ناخوانده» شبکه یک سیما درباره چگونگی پایان جنگ تحمیلی اظهار کرد: پس از صدور حکم٬ آقای هاشمی پیش امام(ره) می آید و می گوید که دو راه داریم؛ یا باید صلح کنیم یا جنگ و اگر جنگ کنیم باید خواسته فرماندهان را تأمین کنیم.

دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام ادامه داد: امام راحل در آن جلسه می فرمایند که از طریق مالیات هزینه ها تأمین شود و در صورت نیاز ایشان فراخوان حضور نیروهای مردمی در جبهه را صادر می کنند.

رضایی ادامه داد: هاشمی پس از اطمینان از اینکه امام راحل از ادامه جنگ اطمینان دارند در باختران از فرماندهان خواست احتیاجات را اعلام کنند و امکانات مورد نیاز به دولت و مجلس اعلام می شود.

وی با اشاره به نگارش نامه ای در این باره گفت: برآورد لازم انجام و دوم تیرماه 67 نامه ای تهیه و به آقای هاشمی ارائه و 27 روز پس از این نامه قطعنامه از سوی ایران امضا شد.

به گزارش تابناک، محسن رضایی با ورود به متن نامه، این نامه تاریخی را برای نخستین بار چنین قرائت کرد:

«سرور مکرم حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای هاشمی

جانشین محترم فرماندهی کل قوا

با توجه به عجله ای که برای ارائه طرح توسعه نیروهای مسلح مدنظر بود، کلیات این طرح را تقدیم می کنیم. انگیزه آمریکا و شوروی و صدام و حزب بعث علیه انقلاب اسلامی نه تنها کاهش نیافته بلکه با رشد بیداری اسلامی در جهان، مشکلات سیاسی ابرقدرت ها بیش از گذشته شده است.

این بار دنیا با بازوی صدام، منافقین داخلی و خارجی و پایگاه های سیاسی خود در داخل کشور ما، قو ی تر از گذشته به جنگ خلیج فارس ادامه خواهند داد.

تنها تغییر، توسعه جنگ زمینی مرزهای غربی به جنگ خلیج فارس است که شامل تنگه هرمز و خلیج فارس نیز می باشد، شده است.

علنی شدن روابط پشت پرده جنگ، جدیت حامیان صدام را نشان می دهد. به همین دلیل به دخالت مستقیم در جنگ ادامه می دهند. جنگ سوم به زودی بین ما و عراق آغاز می گردد.

گرچه ما شعار تداوم جنگ را می دهیم اما بنا بر دلایل بسیاری، به نظر می رسد باز هم آغازکننده عراق خواهد بود که پس از پایان جنگ دوم که هم اکنون جاری است، خود را به عنوان بازوی اجرایی در برقراری امنیت و صلح منطقه ای معرفی خواهد نمود.

امروز علی رغم نوشتن عدد 598 بر قلب تصویر کبوتری که بر سر در کنفرانس بغداد ترسیم شده، جنگ سوم را به قصد تصرف خرمشهر، آبادان، مهران، دهلران، قصر شیرین و ایجاد ناامنی در کردستان و فعال کردن بحران های اجتماعی و مقاصدی به دست منافقین که هنوز برنامه های آن ها برای ما مشخص نشده است.

بزرگترین خطری که ما را تهدید می کند، حجم این توطئه ها نیست بلکه بالعکس این توطئه ها می تواند رحمتی برای انقلاب و ملت ما باشد. دفاع از شخصیت، هویت و ملیت بزرگترین انگیزه برای ساماندهی و وحدت و انسجام نیروهای ملت ما است، مشروط بر اینکه از جمله شرایط آن، اختیار دادن به نیروهای حزب اللهی، تحول در سیستم اداری کشور و عقیده یافتن بر سقوط صدام و حزب بعث در مدت زمان باقی مانده باشد.

اما طرح اصولی ما برای جنگ را تقدیم می کنم و مطمئن هم نیستیم که مسئولان این طرح را عمل کنند و اگر خوشبینانه هم بنگریم، ضعیف عمل می کنند که حداکثر خسارت تاخیر است.

الف- هدف نبرد باید انهدام صدام و حزب بعث عراق باشد.

ب- حصول اهداف مادی که می تواند مفهوم معنوی فوق را تحقق بخشند، عبارت است از تصرف فیزیکی منابع حیاتی، اقتصادی و سیاسی رژیم عراق و خارج کردن آمریکا از خلیج فارس

تبصره- در طول سقوط صدام حزب بعث و صدام، بدون خروج آمریکا از خلیج فارس، هیچ گونه ضمانتی برای کسب هدف وجود ندارد.

ج- یک برنامه حداکثر پنج ساله که توسعه سازمان رزمی نیروهای مسلح را داشته باشد، طراحی کرده ایم.

د- طرح های عملیاتی جنگ خلیج بعد از سقوط صدام و حزب بعث و سقوط آمریکا از خلیج فارس را انشاالله در آینده ارائه خواهیم داد.

پیوست 1

جدول شماره 1

مراحل عملیات آفندی و پدافندی

- تا پایان سال 67، عملیات انهدامی

- تا پایان سال 68، عملیات انهدامی

- تا پایان سال 69، عملیات انهدامی

- سال 70، آغاز عملیات سراسری

- تا پایان سال 71، پایان عملیات سراسری

جدول شماره 2

توسعه سازمان رزم

- سال 67؛ افزایش تیپ های پیاده به 60 تا 70 تیپ، افزایش زرهی (تانک) 1000، هواپیما آموزشی،

- سال 68؛ افزایش تیپ های پیاده 100 تیپ، افزایش زرهی (تانک) 1500، 70 هواپیما،

- سال 69؛ افزایش تیپ های پیاده 160 تیپ، افزایش زرهی (تانک) 1700، 120 هواپیما،

- سال 70؛ افزایش تیپ های پیاده 250 تیپ، افزایش زرهی (تانک) 2000،....

- سال 71؛ افزایش تیپ های پیاده 350 تیپ، افزایش زرهی (تانک) 2500، 300 هواپیما

نکات مورد توجه

الف- مسئله تهیه هواپیما و تلاش جدی برای ساخت سلاح های لیزری و... در این مدت از ضرورت ها و در نبرد بسیار موثر است ولی اگر حاصل نشد، این طور نیست که پیروزی به دست نیاید، بلکه فشارهای سنگینی را باید تا کسب پیروزی متحمل شویم.

ب- مهم ترین قسمت این طرح تهیه و در اختیار قرار گرفتن بودجه لازم است که با توجه به تجربه سال گذشته بعید می دانیم دولت و ستاد به تعهدات خود عمل کند.

د- ما هیچ راه برگشتی را نه قبول داریم و نه اساسا به وجود آن مطمئن هستیم، ضمن اینکه توقف و تاخیر را هم خسارت بار می بینیم و به اجرای تعهدات مسئولان دولت هم امیدوار نیستیم. ولی تکلیف خودمان می دانیم که بجنگیم و از آنجا که خداوند متعال صاحب این انقلاب است به هر حال راهی باز خواهد شد و ما با بسیج امکانات و نیروهای متعهد و حزب اللهی به پیروزی خواهیم رسیم.

ه- مشکلات و تشکیلات سپاه از جمله اختیارات فرماندهان، انضباط، آموزش باید جدی گرفته شود و در اجرای آن ها از فرماندهی سپاه حمایت شود.

پیوست 2

- کلیه نیروهای بین 17 تا 50 سال شرعا مکلف باشند که سالانه چهار ماه در جبهه باشند

- دولت و مجلس در اولویت یکم، بودجه را در اختیار نیروهای مسلح قرار دهد

- نظارت بر بودجه کشور به منظور تشخیص رعایت اصل فوق به عهده ستاد فرماندهی کل قوا باشد

- صنایع و کارخانجات کشور در اولویت یکم موظف به تامین مایحتاج رزمندگان اسلام باشند

- دولت جمهوری اسلامی موظف باشد امکانات آموزشی لازم را در اختیار ستاد کل قرار دهد

- امکانات تبلیغاتی کشور در اولویت اول در اختیار نیازمندی های جنگ قرار گیرد

- قوه قضائیه کشور موظف به دفاع از رزمندگان اسلام و خانواده های آن ها باشد و حقوق آن ها باید در سریع ترین زمان ممکن تامین شود.»[[11]](#footnote-12)

## 2 - روز چهارشنبه 27 تیرماه 1367 برابر 18 جولای 1988

## پذیرش قطعنامه 598 توسط ایران

جمهوری اسلامی ایران در تاریخ 27 تیرماه 1367 ، قطعنامه را پذیرفت ، امری که برای جمهوری اسلامی بسیار تلخ بود و امام خمینی از آن با عنوان « جام زهر» نام برد ، تلخی بزرگ در این بود که امام می دانست از این قطعنامه هیچ چیزی نصیب ایران نمی شود و صدام پس از تجدید قوا حمله خواهد کرد و باز هم دور باطل جنگ ادامه خواهد یافت و در دنیای ناجونمردانه بین الملل ، هیچ شخصی از حقوق ایران حمایت نخواهد کرد .

امام خمینی در نامه محرمانه شنبه 25 تیر 1367 خود در پذیرش قطعنامه نوشته بود : شما عزیزان از هر کس بهتر می‌دانید که این تصمیم برای من چون زهر کشنده‌است ولی راضی به رضای خداوند متعال هستم و برای صیانت از دین او و حفاظت از جمهوری اسلامی ایران اگر آبروئی داشته باشم خرج می‌کنم، خداوندا ما برای دین تو قیام کردیم و برای دین تو جنگیدیم و برای حفظ دین تو آتش‌بس را قبول می‌کنیم

خداوندا! تو خود شاهدی که ما لحظه ای با آمریکا و شوروی و تمامی قدرت های جهان سر سازش نداریم و سازش با ابر قدرت ها و قدرت ها را پشت کردن به اصول اسلامی خود می دانیم. خداوندا! در جهان شرک و کفر و نفاق، در جهان پول و قدرت و حیله و دو رویی، ما غریبیم، تو خود یاری مان کن. خداوندا! در همیشه تاریخ وقتی انبیاء و علماء تصمیم گرفته اند مصلح جامعه گردند و علم و عمل را درهم آمیزند و جامعه ای دور از فساد و تباهی تشکیل دهند، با مخالفت های ابو جهل ها وابو سفیان های زمان خود مواجه شده اند. خداوندا! ما فرزندان اسلام و انقلاب مان را برای رضای تو قربانی کردیم، غیر از توهیچکس را نداریم، ما را برای اجرای فرامین و قوانین خود یاری فرما. خداوندا! از تو می خواهم تا هر چه زودتر شهادت را نصیبم فرمایی. [[12]](#footnote-13)

## 3. روز یکشنبه 2 مرداد 1367 برابر 24 جولای 1988

## حمله عراق از جنوب ، عملیات مرصاد پنجم مرداد ماه ۱۳۶۷

به رغم آنکه در ماده 1 قطعنامه 598 ذکر شده است «آمرانه می‌خواهد که ایران و عراق به عنوان نخستین گام در حل اختلاف از طریق مذاکره، آتش‌بس فوری را رعایت کنند، کلیه عملیات نظامی را در زمین، دریا و هوا قطع کنند و نیروها را بدون درنگ به مرزهای شناخته شده بین‌المللی بازگردانند.»

ایران آتش بس را پذیرفت اما ...

در تیر ماه ۶۷ صدام حسین طی یک نطق تلویزیونی اعلام کرد: « ... بعد از مدتی خواهید دید که چگونه مجاهدین خلق به اعماق خاک خودشان نفوذ خواهند کرد و همین‌طور پیوستن مردم ایران به صفوف آنها را خواهید دید. »

با این توهمات ، شش روز پس از قبول [قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%82%D8%B7%D8%B9%D9%86%D8%A7%D9%85%D9%87_%DB%B5%DB%B9%DB%B8_%D8%B4%D9%88%D8%B1%D8%A7%DB%8C_%D8%A7%D9%85%D9%86%DB%8C%D8%AA) توسط ایران، نیروهای عراقی دستور آمرانه و حکم قاطع ماده 1 این قطعنامه را زیر پا گذاشته، مجدداً در جنوب و حوالی [خرمشهر](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AE%D8%B1%D9%85%D8%B4%D9%87%D8%B1) حمله کردند تا راه نفوذ برای ارتش مجاهدین خلق {تروریست های منافق } باز شود و حتی توانستند تا آستانه تصرف خرمشهر و اهواز پیش روند. به این ترتیب نیروهای دفاعی ایران در جبهه‌های جنوبی مستقر شدند. در این زمان سازمان مجاهدین {منافقین} عملیاتی با نام فروغ جاویدان را از مرزهای غرب ایران آغاز کرد. که ایرانی ها آن را به مرصاد تبدیل کردند

توجه به این نکته ضروری است که به رغم اصرار یک ساله سازمان های بین المللی صلح دوست جهانی !! و همه قدرتها و همه رسانه های غربی حامی صدام متجاوز ، در جهت پذیرش قطعنامه 598 ، هیچ شخص حقیقی و حقوقی بین المللی ، تهاجم صدام و منافقین به ایران را محکوم نکردند !

زیرا بر این باور بودند که نیروهای نظامی ایران قدرت دفاعی ندارند

اشتباه کردند و با مقاومت قهرمانان ملت ایران ، منافقین در غرب کشور و صدامیان در جنوب ، قلع و قمع شدند و این بار ، آتش بس ، صرفا با قدرت نمائی و مقاومت ایران عملی شد ، نه با قطعنامه 598 ، که هیچ خاصیتی نداشت

در پی پذیرش قطعنامه 598 قرار بود که اولین بند آن آتش بس برقرار شود اما همانگونه که ملاحظه کردید و از سوی امام و هوشمندان تاریخ شناس ، قابل پیش بینی بود ، صدام و منافقین ، به چنین تعهدی که قبلا پذیرفته بودند، پایبند نبوده و قطعنامه 598 را همچون «کاغذ پاره» زیر پا انداخته و به مرزهای ایران حمله کردند. توقع طبیعی از کسانی که مدافع صلح بودند و شعار آن را سر می دادند ، این است که در آن زمان حداقل در بیانیه‌ای این تجاوز را محکوم کنند نه تنها این اتفاق درمیان کشورهای مختلف و سازمان‌های بین‌المللی وجود ندارد ، بلکه حتی در میان گروه هایی همچون نهضت آزادی (که سخنان آنان را دیدیم) و دیگر مدافعان صلح با صدام ، چنین بانیه‌هایی صادر نشده است. اگر آنان برای صلح واقعی نامه نوشته بودند چرا پس از تجاوز مجدد صدام سکوت مطلق پیشه کرده اند و هیچگونه نامه و مطلبی و بیانیه برای محکومیت صدام و تجاوز غیر قانونی او ، و همچنین تشویق مردم به دفاع در برابر صدام صادر نکردند ؟ آیا آنان مشاهده نکردند صدام که امام خمینی وی را غیر قابل اعتماد می دانست و آنان تاکید داشتند که اگر حتی غیر اعتماد باشد هم ما باید پس از آن در برابر وی بایستیم ، چرا ایستادگی نکردند و از صدور یک بیانیه هم خود داری نمودند ؟ چنین نشد و این گروهها نامه و یا بیانیه را برای محکومیت صدام صادر نکردند و این مطلبی است که همواره باید پاسخگو باشند که آیا واقعاً در برابر صلحی که درخواست می کردند صادق بوده اند یا غیر صادق، پس چرا در برابر تهاجم مجدد صدام سکوت کردند ؟



این چنین است که مشخص می شود صلح در همه جا نمی تواند پاسخ دهد و باید نسبت به هر موقعیتی همان تصمیم خاص را گرفت

هرچند نهایتاً در عمل آنچه اتفاق افتاد به ‌نفع کامل جمهوری اسلامی بود یعنی ما آتش‌بس را پذیرفتیم صدام به ما حمله کرد ما به آنها پاسخ دادیم ، آتش بس ، نه از طریق قطعنامه ، که از طریق «مقاومت» در میدان و جنگ خونبار ، اتفاق افتاد و با هیچ چیزی به ما ندادند صدام به کویت حمله کرد و «عقب نشینی به مرزها» نه توسط قطعنامه 598 ، که بدلیل مشغول شدن صدام در جنگ جدید ؛ انجام شد و اسرای ما ؛ نه با قطعنامه 598 ، که در روز 27 مردادماه 1369 یعنی 16 روز پس از حمله صدام به کویت ، آزاد شدند و ما طعم شیرین وعده الهی را به خاطر مقاومت خویش به دست آوردیم هم مقاومتی که در جنگ کرده بودیم و شهدای فراوانی که تقدیم نموده بودیم و مظلومیت بسیار زیادی که در شهرها و روستاها و تخریب خانه ها معلولین و جانبازان و اسرا و امثال آنها داشتیم مقاومت بی‌نظیری از خود بروز داده ایم و هم زمانی که صلح را پذیرفتیم و مردانه آن را عملیاتی کردیم و نسبت به آن خیانت نکردیم این دشمن بود که برخلاف ساده انگاران ، خائنانه تمامی تعهدات بین المللی را زیر پا گذاشت تا نشان دهد که حتی قطعنامه‌های سازمان ملل نیز پشیزی ارزش ندارد مگر آنکه زور مقاومتی در برابر آن باشد

بخوانید

## 4 . روز پنجشنبه 11 مرداد 1369 برابر دوم آگوست 1990 الخمیس , 10 محرم 1411 (1411/1/10)

## حمله عراق به کویت

حمایت بی دریغ غربی ها و سران کشورهای عربی از دولت صدام حسین همواره ادامه داشت . به عنوان مثال ، در قطعنامه کنفرانس سران عرب در مراکش در خرداد 1368، آمده است:

کنفرانس، همبستگی کامل خود را با عراق جهت حفظ وحدت و یکپارچگی خاک خود و حاکمیت عراق بر شط العرب (اروندرود) را مورد تاکید قرار می دهد. این مسأله در اجلاس کمیته ی دائمی همکاری های عربی – افریقایی در کویت نیز تکرار شد.

اما تاریخ ، به کندی و با تلخ کامی ، اما با امید به نصرت الهی ، برای ایرانیان صبور ، ورق خورد ، صبر و پایمردی مظلومانه ملت ایران ، همچنان ادامه داشت ، از تاریخ آتش بس 5 مرداد ماه ۱۳۶۷ تا 11 مرداد 1369 ، تیم صلح ایران ، از پله ها و اسانسور های ساختمان های عریض وطویل بین المللی و پشت میزهای سازمان ملل ، رفت و آمد کرد و استدلال نمود اما گوش ناشنوای بین الملل ، و سران کشورهای عربی پولدار خلیج فارس حامی صدام ، هرگز صدای مظلومیت ملت ایران را نشنیدند و حتی یک سطر به نفع ملت ایران ننوشتند و یک جمله در حمایت از ایرانیان نگفتند

ناگهان ورق برگشت ، صدام این بار(روز عاشورا) به کویت حمله کرده بود ؛ در یک نیم روز کویت را گرفت ، و رفقایش را که دلار و سلاح و دریا و بنادر و هوا و جاسوسی و تبلیغات را در اختیارش گذاشته بودند ، به قتل رساند !! ( وَ مَنْ سَلَّ سَيْفَ الْبَغْيِ قُتِلَ بِهِ و كسى كه شمشير ستم بر كشد با آن كشته شود ) کویتی ها دربدر شدند و بزرگانشان کشته شدند و طعم تلخ حمایت از صدام را چشیدند

و از 11 مرداد ، صدام شد ، دشمن بشریت ، ظرف نیم روز رفت زیر فصل هفتم ! و مثل آب خوردن علیه وی قطعنامه صادر کردند

ارتش عراق در زمان حکومت صدام حسین و حزب بعث عراق روز پنجشنبه 11 مرداد 1369 (دوم اوت 1990‌ میلادی، 10 محرم 1411 قمری ) به کویت حمله و این کشور را اشغال کرد. دلیل ظاهری حمله عراق به کویت، مشکل بدهی 30 میلیارد دلاری عراق به کویت و تلاش عراق برای بازسازی اقتصاد عراق بود که در جنگ ایران و عراق نابود شده بود. عراق معتقد بود چون جنگ ایران و عراق به سود کشورهای عرب حوزه خلیج‌فارس بوده‌است، دولت‌های عربی ازجمله کویت باید بدهی عراق را ببخشند. کویت زیر باربخشش 30 میلیارد دلاری طلب خود، نرفت و تشنج با کویت بروز کرد. ده‌ها هزار سرباز عراقی، مرزهای جنوبی عراق با کویت را در نوردیدند، ظرف چند ساعت به قلب پایتخت کویت رسیدند، و آن را به اشغال خود درآوردند. [[13]](#footnote-14)

واقعیت این است که صدام یقین داشت که کویت «نیروی مسلح» برای مقابله ندارد، و همین دلیل، همان استدلالی بود که سال 1359 صدام را برای حمله به ایران تشویق کرده بود، در هر دو زمینه، برآورد صدام صحیح بود ؛ هم ایران سال 1359، سلاح کافی نداشت و هم کویت سال 1369، فقط یک تفاوت اتفاق افتاد، ایران مردان بزرگی داشت که با دست خالی و فدا کردن عزیزترین عزیزانشان، از کشور دفاع کردند و کویت فاقد آن بود .

## فعالیت بسیار عجیب شورای امنیت در جنگ کویت

شورای امنیت که در تهاجم عراق به ایران، سکوت مرگ گرفته بود ناگهان بیدار شد و با پول عربستان و کویت و دیگر کشورها، به فاصله کمتر از نیم‌روز؛ طی نشست 2932ام با تندترین لحن علیه عراق، با چهارده رای موافق، یک ممتنع و بدون مخالف قطعنامه 660 را تصویب نمود

در بند 1 و 2 این قطعنامه می‌خوانیم :

1 – شورای امنیت اشغال کویت از سوی عراق را محکوم می‌کند

2 – از عراق می‌خواهد که کلیه نیروهای خود را فوراً و بدون هیچ قید و شرط به مرزهایی که در تاریخ 1 اوت بوده است بازگرداند [[14]](#footnote-15)

صدور این قطعنامه‌ها مانند مسلسل، استمرار یافت و حتی پس از آزادسازی کویت تا13 سال بعد که با حمله بوش پسر ، صدام و ارتش وی به سرعت نابود شدند، ادامه یافت

اگر عراق، قدرت موشکی مستقل ایران را داشت، و می‌توانست بارانی از موشک‌ها بر سر نیروهای آمریکائی و هم‌پیمانان وی بریزد، حتی اگر صد قطعنامه الزام‌آور هم صادر می‌شد، هیچ اتفاقی نمی‌افتاد، تاکید می کنیم ، ما در این جا فقط درصدد تبیین «واقعیت» هستیم و به اینکه حمله صدام به کویت نامشروع بود وارد نمی‌شویم

صدام حتی به ریاض موشک اسکاد شوروی زد

صدام با داشتن چند موشک باقیمانده از جنگ ایران و عراق ، ریاض و تل آویو را زد ، این موشک ها بدان دلیل باقی مانده بود که ایران ناگهان قظعنامه را پذیرفته بود و لذا تمام نشده بود ، گفته می شود ( شاید فقط یک طنز باشد نه واقعیت ) ادوارد شوارد نادزه ، وزیر خارجه وقت شوروی در دیدار با وزیر خارجه عربستان ، از اینکه موشک های روسی به ریاض خورده ، عذر خواهی کرده بود ، وزیر خارجه عربستان گفته بود : پولش را خودمان داده ایم !!

از این تاریخ ، همان سران کشورهای عربی و همان غربی های حامی صدام ، که در سطح کمترین اشخاص ، حاضر به ملاقات با ایران نبودند ، در صف های طویل به دیدار ایرانیان آمدند تا از ایران کمک بگیرند و این صف های دیپلماتیک ، در خاطرات برخی از مسئولین ، به عنوان پیروزی دیپلماسی ما و قدرت چانه زنی دیپلمات ها ، مطرح می شود در حالی که نگاه به تاریخ این صف دیپلماتیک ، نشان می دهد که فقط پس از حمله عراق به کویت ، انجام شده ، و قبل از آن نه تنها هیچ صف ملاقاتی وجود نداشته ، بلکه همه پشت درب اتاق صدام حسین ، صف دست بوسی داشته اند !!

## 5 . روز شنبه 27 مرداد 1369 برابر 18 آگوست 1990

## آزادی اسرا و عقب نشینی صدام از بخشهای باقیمانده خاک ایران

صدام قبل از حمله به کویت ، مکاتباتی را با مسئولان جمهوری اسلامی آغاز کرده بود که می خواهیم صلح کنیم ، اما مسئولین کشور اعتمادی نداشتند و عملا هم اتفاق خاصی نیفتاد ، شاید کسی تصور حمله عراق به کویت را هم نداشت ، حداقل در مکتوبات دیده نشده است

اما صدام ،17 روز پس از تاریخی که حمله به کویت کرد ، اسرا را تبادل کرد

توجه به تاریخ دقیق هر اتفاق راه گشاست ، آزادی اسرا و عقب نشینی صدام از بخشهای باقیمانده از سرزمین ایران ، هیچ ربطی به قطعنامه 598 و اقدامات دیپلماتیک ، ندارد بلکه صدام می خواست پشت جبهه خود را مطمئن کند و عقب نشینی کرد و اسرا تبادل شدند

لطفا تاریخ را با دقت روز و ساعت مطالعه کنید تا اشتباه نشود

## 6 . روز چهارشنبه 26 دی 1369 برابر 16 ژانویه 1991

## حمله نیروهای چند ملیتی به عراق

ظرف شش ماه ، نیروهای تحت امر آمریکا ، به صدام حمله کردند تا نشان دهند که « جنگ افروز » چه می کشد

و خداوند همه موارد را حل کرد و نتیجه صبر قهرمانانه ملت ایران را با پیروزی عظیم بدون منت سازمانهای بین المللی، به ایرانیان عطا کرد

عسی ان تکرهوا شیئا و هو خیر لکم اینجا اتفاق افتاد ما در تلخ ترین شرایط بودیم و خداوند حل کرد ، همچنان که همه موارد را حل کرده است

و خداوند پیروزی را به مقاومت داد و ملت مقاوم ، شهد شیرین پیروزی را چشیدند بدون اینکه سازمان های بین المللی اقدامی نمایند و یا واسطه ای باشد

1. # دریافت 35 میلیارد دلاری کویت از عراق

   # 13 آذر 1391 | 19:18 کد : 1909885 [سرخط اخبار](file:///F:\fa\news\category\1\%D8%B3%D8%B1%D8%AE%D8%B7-%D8%A7%D8%AE%D8%A8%D8%A7%D8%B1)

   پایگاه اطلاع رسانی مجلس اعلای اسلامی عراق در تهران نوشت:

   محما خلیل، عضو کمیسیون اقتصاد و سرمایه گذاری در مجلس عراق، خبر داد که کویت تاکنون 35میلیارد دلار خسارت مالی از عراق گرفته است.

   او گفت که بدهی های خارجی از موانع جدی پیشرفت اقتصادی عراق است و سالانه بیش از 5میلیارد دلار از درآمد نفتی عراق صرف این بدهی ها می شود.

   وی تأکید کرد که با پایان این بدهی شاهد توسعه اقتصادی گسترده ای در کشور خواهیم بود.

   منبع : سایت دیپلماسی ایرانی

   [http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/1909885/دریافت-35-میلیارد-دلاری-کویت-از-عراق](http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/1909885/%D8%AF%D8%B1%DB%8C%D8%A7%D9%81%D8%AA-35-%D9%85%DB%8C%D9%84%DB%8C%D8%A7%D8%B1%D8%AF-%D8%AF%D9%84%D8%A7%D8%B1%DB%8C-%DA%A9%D9%88%DB%8C%D8%AA-%D8%A7%D8%B2-%D8%B9%D8%B1%D8%A7%D9%82) [↑](#footnote-ref-1)
2. <https://www.islamquest.net/fa/archive/question/fa86539/tmpl/component/printme/1> [↑](#footnote-ref-2)
3. با بهره وری از اسناد نهضت آزادی ، ویکی پدیا و سایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی

   <https://historydocuments.ir/?page=post&id=2747> [↑](#footnote-ref-3)
4. همان

   <http://tarikhirani.ir/fa/news/7833/در-دیدار-ابراهیم-یزدی-و-سعدون-حمادی-چه-گذشت-> [↑](#footnote-ref-5)
5. سایت تاریخ ایرانی

   <http://tarikhirani.ir/fa/news/7836/تا-فتح-خرمشهر-از-جنگ-حمایت-کردیم> [↑](#footnote-ref-6)
6. عملکرد شورای امنیت در جنگ عراق و ایران

   نوشته: حمد عبدالعزیز الکواری ترجمه: محمد علی عسگری

   <http://maarefjang.ir/contentviewed.aspx?id=157> [↑](#footnote-ref-7)
7. # Resolution 514

   Iraq-Islamic Republic of Iran

   Resolution 514 (1982) of

   ### 12 July 1982

   The Security Council,

   Having considered again the question entitled "The situation between Iran and Iraq ,

   Deeply concerned about the prolongation of the conflict between the two countries, resulting in heavy losses of human lives and considerable material damage and endangering peace and security,

   Recalling the provisions of Article 2 of the Charter of the United Nations, and that the establishment of peace and security in the region requires strict adherence to these provisions,

   Recalling that by virtue of Article 24 of the Charter the Security Council has the primary responsibility for maintenance of international peace and security,

   Recalling its resolution 479 (1980), adopted unanimously on 28 September 1980, as well as the statement of the President of the Security Council of 5 November 1980,

   Taking note of the efforts of mediation pursued notably by the Secretary-General and his representative, as well as by the Movement of Non-Aligned Countries and the Organization of the Islamic Conference,

   1. Calls for a cease-fire and an immediate end to all military operations;

   2. Calls further for a withdrawal of forces to internationally recognized boundaries;

   3. Decides to dispatch a team of United Nations observers to verify, confirm and supervise the cease-fire and withdrawal, and requests the Secretary-General to submit to the Security Council a report on the arrangements required for that purpose;

   4. Urges that the mediation efforts be continued in a co-ordinated manner through the Secretary-General with a view to achieving a comprehensive, just and honourable settlement, acceptable to both sides, of all the outstanding issues, on the basis of the principles of the Charter of the United Nations, including respect for sovereignty, independence, territorial integrity and non-interference in the internal affairs of States;

   5. Requests all other States to abstain from all actions that could contribute to the continuation of the conflict and to facilitate the implementation of the present resolution;

   6. Requests the Secretary-General to report to the Security Council within three months on the implementation of the present resolution.

   Adopted unanimously at the 2383rd meeting.

   Topics Iran, Iraq

   Year 1982

   Title Iraq-Islamic Republic of Iran

   Related with resolutions [479](http://unscr.com/en/resolutions/479)

   Quoted in resolutions [522](http://unscr.com/en/resolutions/522)

   Security Council Composition

   [CHN](http://unscr.com/en/country/CHN) \* [FRA](http://unscr.com/en/country/FRA) \* [SUN](http://unscr.com/en/country/SUN) \* [GBR](http://unscr.com/en/country/GBR) \* [USA](http://unscr.com/en/country/USA) \* [COD](http://unscr.com/en/country/COD) \* [ESP](http://unscr.com/en/country/ESP) \* [GUY](http://unscr.com/en/country/GUY) \* [IRL](http://unscr.com/en/country/IRL) \* [JPN](http://unscr.com/en/country/JPN) \* [JOR](http://unscr.com/en/country/JOR) \* [PAN](http://unscr.com/en/country/PAN) \* [POL](http://unscr.com/en/country/POL) \* [TGO](http://unscr.com/en/country/TGO) \* [UGA](http://unscr.com/en/country/UGA)

   [View the full document](http://unscr.com/en/resolutions/doc/514)   
   [Download](http://unscr.com/files/1982/00514.pdf) (pdf, 89 KB)

   To see the pdf source file, go to the following address

   <http://unscr.com/files/1982/00514.pdf>

   SOURCE : UNSCR (UN Security Council Resolutions)

   [http://unscr.com/en/resolutions/514](http://unscr.com/en/resolutions/514%20)  [↑](#footnote-ref-8)
8. عملکرد شورای امنیت در جنگ عراق و ایران

   نوشته: حمد عبدالعزیز الکواری ترجمه: محمد علی عسگری

   <http://maarefjang.ir/contentviewed.aspx?id=164> [↑](#footnote-ref-9)
9. # Resolution 598

   ## Iraq-Islamic Republic of Iran

   Abstract

   Resolution 598 (1987) of

   ### 20 July 1987

   The Security Council,

   Reaffirming its resolution 582 (1986),

   Deeply concerned that, despite its calls for a cease-fire, the conflict between the Islamic Republic of Iran and Iraq continues unabated, with further heavy loss of human life and material destruction, Deploring the initiation and continuation of the conflict.

   Deploring also the bombing of purely civilian population centres, attacks on neutral shipping or civilian aircraft, the violation of international humanitarian law and other laws of armed conflict, and, in particular, the use of chemical weapons contrary to obligations under the 1925 Geneva Protocol,

   Deeply concerned that further escalation and widening of the conflict may take place, Determined to bring to an end all military actions between Iran and Iraq ,

   Convinced that a comprehensive, just, honourable and durable settlement should be achieved between Iran and Iraq ,

   Recalling the provisions of the Charter of the United Nations, and in particular the obligation of all Member States to settle their international disputes by peaceful means in such a manner that international peace and security and justice are not endangered,

   Determining that there exists a breach of the peace as regards the conflict between Iran and Iraq , Acting under Articles 39 and 40 of the Charter,

   1. Demands that, as a first step towards a negotiated settlement, the Islamic Republic of Iran and Iraq observe an immediate cease-fire, discontinue all military actions on land, at sea and in the air, and withdraw all forces to the internationally recognized boundaries without delay;

   2. Requests the Secretary-General to dispatch a team of United Nations observers to verify, confirm and supervise the cease-fire and withdrawal and further requests the Secretary-General to make the necessary arrangements in consultation with the Parties and to submit a report thereon to the Security Council;

   3. Urges that prisoners-of-war be released and repatriated without delay after the cessation of active hostilities in accordance with the Third Geneva Convention of 12 August 1949;

   4. Calls upon Iran and Iraq to co-operate with the Secretary-General in implementing this resolution and in mediation efforts to achieve a comprehensive, just and honourable settlement, acceptable to both sides, of all outstanding issues, in accordance with the principles contained in the Charter of the United Nations;

   5. Calls upon all other States to exercise the utmost restraint and to refrain from any act which may lead to further escalation and widening of the conflict, and thus to facilitate the implementation of the present resolution;

   6. Requests the Secretary-General to explore, in consultation with Iran and Iraq , the question of entrusting an impartial body with inquiring into responsibility for the conflict and to report to the Council as soon as possible:

   7. Recognizes the magnitude of the damage inflicted during the conflict and the need for reconstruction efforts, with appropriate international assistance, once the conflict is ended and, in this regard, requests the Secretary-General to assign a team of experts to study the question of reconstruction and to report to the Council:

   8. Further requests the Secretary-General to examine, in consultation with Iran and Iraq and with other States of the region, measures to enhance the security and stability of the region;

   9. Requests the Secretary-General to keep the Council informed on the implementation of this resolution;

   10. Decides to meet again as necessary to consider further steps to ensure compliance with this resolution.

   Adopted unanimously at the 2750th meeting.

   Topics Iran, Iraq

   Year 1987

   Title Iraq-Islamic Republic of Iran

   Related with resolutions [582](http://unscr.com/en/resolutions/582)

   Quoted in resolutions [616](http://unscr.com/en/resolutions/616) \* [619](http://unscr.com/en/resolutions/619) \* [631](http://unscr.com/en/resolutions/631) \* [642](http://unscr.com/en/resolutions/642) \* [651](http://unscr.com/en/resolutions/651) \* [671](http://unscr.com/en/resolutions/671) \* [676](http://unscr.com/en/resolutions/676) \* [685](http://unscr.com/en/resolutions/685)

   Security Council Composition

   [CHN](http://unscr.com/en/country/CHN) \* [FRA](http://unscr.com/en/country/FRA) \* [SUN](http://unscr.com/en/country/SUN) \* [GBR](http://unscr.com/en/country/GBR) \* [USA](http://unscr.com/en/country/USA) \* [ARE](http://unscr.com/en/country/ARE) \* [ARG](http://unscr.com/en/country/ARG) \* [BGR](http://unscr.com/en/country/BGR) \* [COG](http://unscr.com/en/country/COG) \* [FRG](http://unscr.com/en/country/FRG) \* [GHA](http://unscr.com/en/country/GHA) \* [ITA](http://unscr.com/en/country/ITA) \* [JPN](http://unscr.com/en/country/JPN) \* [VEN](http://unscr.com/en/country/VEN) \* [ZMB](http://unscr.com/en/country/ZMB)

   [View the full document](http://unscr.com/en/resolutions/doc/598)   
   [Download](http://unscr.com/files/1987/00598.pdf) (pdf, 169 KB)

   To see the pdf source file, go to the following address

   <http://unscr.com/files/1987/00598.pdf>

   SOURCE : UNSCR (UN Security Council Resolutions)

   [http://unscr.com/en/resolutions/598](http://unscr.com/en/resolutions/598%20)  [↑](#footnote-ref-10)
10. متن کامل این نامه در تاریخ 03 خرداد 1393 در سایت زیر منتشر شده است

    <https://www.parsine.com/fa/news/189806/نامه-محرمانه-بازرگان-به-امام-خمینی-1367>

    <http://tnews.ir/site/c55125617057.html> [↑](#footnote-ref-11)
11. منبع : سایت تاریخ ایرانی 07 مهر 1393 | 20:42 کد : 4728

    <http://tarikhirani.ir/fa/news/4728/متن-نامه-منتشر-نشده-محسن-رضایی-به-هاشمی-درباره-پایان-جنگ> [↑](#footnote-ref-12)
12. متن کامل نامه امام خمینی درباره علل پذیرش قطعنامه 598 و پایان جنگ

    بسم الله الرحمن الرحیم

    با یاری خداوند متعال و سلام و صلوات به انبیاء بزرگوار الهی وائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین

    حال که مسئولین نظامی ما اعم از ارتش و سپاه که خبرگان جنگ می باشند، صریحا اعتراف می کنند که ارتش اسلامی به این زودی ها هیچ پیروزی به دست نخواهند آورد و نظر به این که مسئولین دلسوز نظامی و سیاسی نظام جمهوری اسلامی از این پس جنگ را به هیچ وجه به صلاح کشور نمی دانند و با قاطعیت می گویند که یک دهم سلاح هایی را که استکبار شرق و غرب در اختیار صدام گذارده اند، به هیچ وجه و با هیچ قیمتی نمی شود در جهان تهیه کرد و با توجه به نامه تکان دهنده فرمانده سپاه پاسداران که یکی از ده ها گزارش نظامی سیاسی است که بعد از شکست های اخیر به اینجانب رسیده و به اعتراف جانشین فرمانده کل نیروهای مسلح، فرمانده سپاه یکی از معدود فرماندهانی است که در صورت تهیه مایحتاج جنگ معتقد به ادامه جنگ می باشد و با توجه به استفاده گسترده دشمن از سلاح های شیمیایی و نبود وسایل خنثی کننده آن، اینجانب با آتش بس موافقت می نمایم و برای روشن شدن در مورد اتخاذ این تصمیم تلخ، به نکاتی از نامه فرمانده سپاه که در تاریخ 2/4/67 نگاشته است، اشاره می شود.

    فرمانده مزبور نوشته است تا پنج سال دیگر ما هیچ پیروزی نداریم؛ ممکن است در صورت داشتن وسایلی که در طول پنج سال به دست می آوریم قدرت عملیات انهدامی و یا مقابله به مثل را داشته باشیم و بعد از پایان سال 71 اگر ما دارای 350 تیپ پیاده و 2500 تانک و 3000 توپ و 300 هواپیمای جنگی و 300 هلیکوپتر و قدرت ساختن مقدار قابل توجهی از سلاح های [مختلف] که از ضرورت های جنگ در آن موقع است داشته باشیم، می توان گفت به امید خدا بتوانیم عملیات آفندی داشته باشیم.

    وی می گوید قابل ذکر است که باید توسعه نیروی سپاه به هفت برابر و ارتش به دو برابر و نیم افزایش پیدا کند. او آورده است البته آمریکا راهم باید از خلیج فارس بیرون کنیم والا موفق نخواهیم بود.

    این فرمانده مهم ترین قسمت موفقیت طرح خود را تهیه به موقع بودجه و امکانات دانسته و آورده است که بعید به نظر می رسد دولت و ستاد فرماندهی کل قوا بتوانند به تعهد خود عمل کنند؛ البته با ذکر این مطالب می گوید باید باز هم جنگید که این دیگر شعاری بیش نیست.

    آقای نخست وزیر از قول وزرای اقتصاد و بودجه وضع مالی نظام را زیر صفر اعلام کرده اند، مسئولین جنگ می گویند تنها سلاح هایی را که در شکست های اخیر از دست داده ایم، به اندازه تمام بودجه است که برای سپاه و ارتش در سال جاری در نظر گرفته شده بود.

    مسئولین سیاسی می گویند از آنجا که مردم فهمیده اند پیروزی سریعی به دست نمی آید، شوق رفتن به جبهه در آنها کم شده است. شما عزیزان از هر کس بهتر می دانید که این تصمیم برای من چون زهر کشنده است ولی راضی به رضای خداوند متعال هستم و برای صیانت از دین او و حفاظت از جمهوری اسلامی اگر آبرویی داشته باشیم خرج می کنیم.

    خداوندا! ما برای دین تو قیام کردیم و برای دین تو جنگیدیم و برای حفظ دین تو آتش بس را قبول می کنیم. خداوندا! تو خود شاهدی که ما لحظه ای با آمریکا و شوروی و تمامی قدرت های جهان سر سازش نداریم و سازش با ابر قدرت ها و قدرت ها را پشت کردن به اصول اسلامی خود می دانیم. خداوندا! در جهان شرک و کفر و نفاق، در جهان پول و قدرت و حیله و دو رویی، ما غریبیم، تو خود یاری مان کن. خداوندا! در همیشه تاریخ وقتی انبیاء و علماء تصمیم گرفته اند مصلح جامعه گردند و علم و عمل را درهم آمیزند و جامعه ای دور از فساد و تباهی تشکیل دهند، با مخالفت های ابو جهل ها وابو سفیان های زمان خود مواجه شده اند. خداوندا! ما فرزندان اسلام و انقلاب مان را برای رضای تو قربانی کردیم، غیر از توهیچکس را نداریم، ما را برای اجرای فرامین و قوانین خود یاری فرما. خداوندا! از تو می خواهم تا هر چه زودتر شهادت را نصیبم فرمایی.

    گفتم جلسه ای تشکیل گردد تا آتش بس را به مردم تفهیم نمایند. مواظب باشید، ممکن است افراد داغ و تند با شعارهای انقلابی شما را از آنچه صلاح اسلام است دور کنند.

    صریحا می گویم باید تمام همت تان در توجیه این کار باشد. قدمی انحرافی حرام است و موجب عکس العمل می شود؛ شما می دانید که مسئولین رده بالای نظام با چشمی خونبار و قلبی مالامال از عشق به اسلام و میهن اسلامی مان چنین تصمیمی را گرفته اند.

    خدا را درنظر بگیرید وهر چه اتفاق می افتد از دوست بدانید.

    والسلام علینا و علی عبادالله الصالحین.

    شنبه25/تیر67

    روح الله الموسوی الخمینی

    منبع : خبرگزاری مهر

    [https://www.mehrnews.com/news/386966/متن-کامل-نامه-امام-خمینی-درباره-علل-پذیرش-قطعنامه-598-و-پایان](https://www.mehrnews.com/news/386966/%D9%85%D8%AA%D9%86-%D9%83%D8%A7%D9%85%D9%84-%D9%86%D8%A7%D9%85%D9%87-%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85-%D8%AE%D9%85%D9%8A%D9%86%D9%8A-%D8%AF%D8%B1%D8%A8%D8%A7%D8%B1%D9%87-%D8%B9%D9%84%D9%84-%D9%BE%D8%B0%D9%8A%D8%B1%D8%B4-%D9%82%D8%B7%D8%B9%D9%86%D8%A7%D9%85%D9%87-598-%D9%88-%D9%BE%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D9%86) [↑](#footnote-ref-13)
13. [https://www.independentpersian.com/node/13406/اشغال-کویت،-زخمی-که-هنوز-التیام-نیافته-است](https://www.independentpersian.com/node/13406/%D8%A7%D8%B4%D8%BA%D8%A7%D9%84-%DA%A9%D9%88%DB%8C%D8%AA%D8%8C-%D8%B2%D8%AE%D9%85%DB%8C-%DA%A9%D9%87-%D9%87%D9%86%D9%88%D8%B2-%D8%A7%D9%84%D8%AA%DB%8C%D8%A7%D9%85-%D9%86%DB%8C%D8%A7%D9%81%D8%AA%D9%87-%D8%A7%D8%B3%D8%AA) [↑](#footnote-ref-14)
14. <http://unscr.com/files/1990/00660.pdf> [↑](#footnote-ref-15)